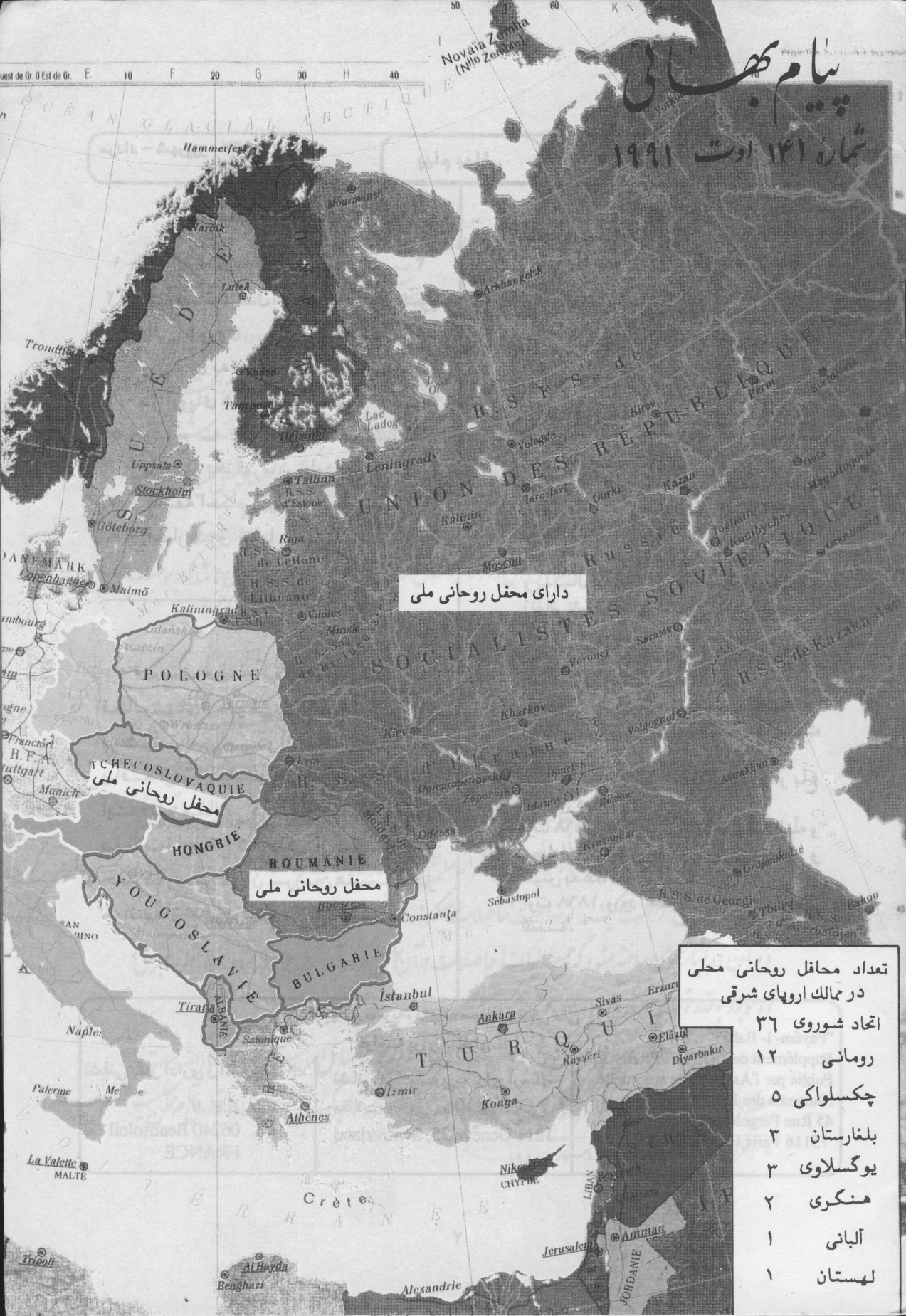


سیام بهمانی

شماره ۱۴۱ اوت ۱۹۹۱



دارای محفل روحانی ملی

محفل روحانی ملی

محفل روحانی ملی

- تعداد محافل روحانی ملی
در ممالک اروپای شرقی
- اتحاد شوروی ۳۶
 - رومانی ۱۲
 - چکسلواکی ۵
 - بلغارستان ۳
 - یوگسلاوی ۳
 - هنگری ۲
 - آلبانی ۱
 - لهستان ۱

فهرست مندرجات

- ۱ - از آثار مقدسه ۳
- ۲ - پیام بیت العدل اعظم به انجمن شور روحانی شوروی..... ۵
- ۳ - روزنه ای به سوی اروپای شرقی.... ۷
- ۴ - در اروپای شرقی چه میگذرد ۱۱
- ۵ - شرح سه سفر..... ۱۴
- ۶ - یادی از يك قهرمان جاودان..... ۱۹
- ۷ - فلسفه احکام بیان..... ۲۴
- ۸ - اخبار شرق اروپا ۲۸

قسمت عمده، مقالات این شماره به فعالیت‌های تبلیغی یاران در شرق اروپا و پیشرفت امر الهی در آن سامان اختصاص یافته است. پیام بهائی امیدوار است در آینده نیز مقالاتی در همین زمینه ها و نیز مقالات تاریخی که حاکی از گذشته امر حضرت رحمن در آن سرزمین هاست بنظر خوانندگان عزیز برساند.

تقویم ماه

- ۱ اوت ضیافت نوزده روزه آغاز شهرالکمال
- ۲۰ اوت ضیافت نوزده روزه آغاز شهرالاسماء

وقایع مهم تاریخی

- ۶ اوت ۱۸۴۵ بازداشت جناب قدوس و جناب ملا صادق در شیراز
- ۱۰ اوت ۱۹۶۸ صعود جناب لطف الله حکیم عضو نخستین بیت عدل اعظم. (تولد ۱۸۸۸ در ایران، نوه نخستین فرد کلیمی که بامر الهی ایمان آورد).
- ۱۳ اوت ۱۸۶۳ عزیمت حضرت بهاءالله با کشتی از بندر سامسون به اسلامبول (قسطنطنیه).
- ۱۵ اوت ۱۸۵۲ سوء قصد بجان ناصر الدینشاه، و بدنبال آن دستگیری حضرت بهاءالله و زندانی شدن حضرتشان در زندان سیاه چال طهران.
- ۱۶ اوت ۱۸۶۳ ورود حضرت بهاءالله و همراهان به اسلامبول هنگام ظهر.
- ۱۶ اوت ۱۹۱۲ اقامت حضرت عبدالبهاء در مدرسه بهائی گرین ایگر (امریکا) بمدت یک هفته
- ۱۸ اوت ۱۸۵۲ شهادت حضرت طاهره در باغ ایلخانی در طهران.
- ۲۱ اوت ۱۸۶۸ عزیمت حضرت بهاءالله و همراهان با کشتی از بندر گلیپولی به حینا و سپس به عکا.
- ۳۱ اوت ۱۸۶۸ ورود حضرت بهاءالله به اراضی مقدسه.

پیام بهائی نشریه ماهانه محفل روحانی ملی

فرانسه برای بهائیان.

"Payám- i- Bahá'í"
Supplément de "BAHA'Í FRANCE"
Publié par l'Assemblée spirituelle
Nationale des Bahá'ís de France.
45 Rue Pergolesè,
75116 Paris, FRANCE

نشانی هیئت تحریریه برای ارسال
مقالات
P.O. Box 106
1211 Genève 25, Switzerland

نشانی دفتر اداری و امور اشتراك:
B.P. 9
06240 Beausoleil
FRANCE

لزوم تعدیل معیشت

نبدای از بیانات حضرت عبداللہ، ارواحنا لعلہ *

تعلیم ششم حضرت بہاء اللہ تعدیل معیشت حیات است یعنی باید قوانین نظاماتی گذارد کہ جمیع بشر براحت زندگانی کنند یعنی همچنان کہ غنی در قصر خویش راحت دارد و بہ انواع مواد سفرہ او مزین است فقیر نیز لانہ و آشیانہ داشته باشد و گرسنہ نماند تا جمیع نوع انسان راحت یابند . امر تعدیل معیشت بسیار مهم است و تا این مسألہ تحقق نیاید سعادت برای عالم بشہ ممکن نیست ...

... نفوس غنی باید خودشان زیادی مال خود را بہ فقر اتفاق کنند و چنین قوانین مملکت باید نوعی باشد کہ بہ موجب شریعتہ اللہ ہر کونہ آسایش داشته باشد ...

... این قوانین اجرت را باید بہ کلی ہم زد اگر امروز صاحبان فابریقہ ہا بر مزد کارگران ختم کنند باز یک ماہ یا یکسال دیگر فرساید بر آوردہ اغتصاب نمودہ بیشتر خواهند خواست ، این کار انتہائی نذارد حالا شریعت اللہ را بہ شما بگوئیم ؛ بموجب شریعت اللہ مزد بہ اینما دادہ نمیشود بل فی الحقیقہ شریک در ہر عملی میشوند ... اصحاب اموال کلی معادن دارد یکی فابریقہ دارد اگر ممکن باشد صاحبان معادن و فابریقہ در منافع با کارگران شریک باشند معطلانہ از حاصلات صدی چند بہ عملیات بدہند تا عملہ غیر از مزد نصیبی نیند از منافع عمومیہ کارخانہ داشته باشند تا بہ جان در کار بکوشند ... زراعت در دہی زراعت میکنند از زراعت حاصلات میگیرند و از غنیا و فقرا بر حسب حاصلاتشان عشر گرفتہ میشود و در آن دہ انبار عمومی ساختہ میشود کہ جمیع مالیات و حاصلات در آن جامع گردد آنوقت ملاحظہ میشود ... اگر عاجزی دہ موجود بہ قدر قوت ضروری بہ او دادہ میشود .

... سوال در مسائل اقتصادی مایون و رنجبران شد فرمودند این یکی از مسائل اساسیہ حضرت بہاء اللہ است اما معطلانہ نہ مہمورانہ و اگر این مسألہ بطور محبت التیام نیاید عاقبت بہ جنگ خواهد کشید . اشتراک و تساوی نام ممکن نیست

زیرا امور و نظام عالم مختل می‌گردد . اما یک طریق معتدلانه [وجود] دارد که نه فتنه این طور محتاج بمانند و
 نه اغنیای اینطور غنی گردند هم فقرا هم اغنیاء بر حسب درجات خود به راحت و آسایش و سعادت زندگی نمایند .
 ... اعظم از اساس اشتراکیون ادیان الهی موجود است در حکم الهی « و یوشرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة »
 است میفرماید که از خصائص و مایحتاج اموال خود انفاق نمایند و دیگران را بر خود ترجیح دهند ولی به رضایت و نهایت
 روحانیت . اما اشتراکیون میخواهند اشتراک مساوات به زور جاری نمایند با آنکه موااسات که حکم الله است مشکلمتر است
 چه که صاحب نعمت باید دیگران را مقدم بر خود داند این جاری میشود و سبب آسایش خلق و مؤید نظام عالم است زیرا
 موقوف به رغبت و رضایت منفق است ولی اشتراک و مساوات با آنکه سهلتر است و صاحب نعمت باید دیگران
 مساوی است نه مؤخر این جاری نمیشود و باعث فتنه و آشوب است زیرا منوط به عنف و جبر است ...
 ... اعتدال از همه بهتر و آن نیست که اهل ثروت باید در کتاب منافع اعتدال را ملاحظه نمایند و مراعات
 فقرا و اهل احتیاج را منظور دارند و آن نیست که عمده و فعله را اجرتی یومی معلوم و مقرر گردد و از منافع عمومی
 فبریق نیز نصیب بهره یابند ... و همچنین باید عمده و فتنه و فتنه را از استحقاق نظلبه و اعتصاب نماید و اطاعت و
 انقیاد کند و اجرت فاحش نخواهد بلکه حقوق معتدل مشترک طرفین به قانون عدل و حقانیت رسماً محقق و مسلم شود و هر طرف
 تجاوز نماید بعد الحاکمه محکوم گردد و قوه نافذه حسرتی قطعی مجری دارند تا امور انظام باید و مشکلات بر طرف گردد
 و داخله قضا و حکومت در مشکلات حاصله بین اصحاب فبریق و عمده داخله مشروع است مانند معامله عادی بین عمده و صاحب
 کار جزئی نیست که خصیصیت و دخل به عموم ندارد و حکومت راجع داخله نیست زیرا فبریق و عمده هر چند خصوصی بنظر آید
 ولی از مشکلات حاصله در مابین مضرت عمومی حاصل گردد .

معانی لغات دشوار

مواند - خدا ، فابریق - کارخانه ، ضم کردن - افزودن ، زراع - کشاورزان ، اشتراکیون - کمونیت ، انفاق - ایشار بخشش ، عنف و جبر - زور و جبار
 منوط - وابسته و موقوف ، غلو - زیاده روی ، ترمذ - سپی ، قوه نافذه - قوه مجریه ، قضا - دستگاه دادگتری ، مضرت - زیان .
 توضیح دیگر : اصطلاح امروزی برای تعدیل معیشت توزیع عادلانه تر درآمد است .

ترجمه پیام رضوان سال جاری ساحت رفیع بیت العدل اعظم الهی خطاب به احبای اتحاد شوروی

ترجمه فواد روستائی

ها و رنج های اولیه این جوامع شکوفای گذشته را که اکنون يك بار دیگر برای یافتن مکان و جایگاه خویش در دنیای بهائی بپا خاسته اند بخاطر می آوریم.

حضرت عبدالبهاء ارواحنا له الفدا درالواح تبلیغی خویش خطاب به احبای آمریکا که در روزهای تیره و ظلمانی جنگ جهانی اول از كلك مطهرشان عزّ صدور یافته است از یکصد و بیست سرزمین نام برده و احبای این سرزمین ها را به ابلاغ و اشاعه پیام حضرت بهاءالله امر فرموده اند. روسیه واقع در اروپا و آسیا از جمله سرزمین های مذکور از كلك مطهر حضرت عبدالبهاء در این الواح است. حضرت شوقی ربانی ولی امر محبوب دیانت بهائی در سال ۱۹۵۳ هنگام تعیین اهداف نقشه تبلیغی جهان بهائی تمامی این سرزمین ها را جزء اهداف نقشه قرار داده و بطور جداگانه از هر يك از جمهوری های شوروی و نیز دوازده جمهوری خود مختار شوروی سوسیالیستی و بالاخره جمهوری سوسیالیستی فدرال روسیه شوروی یاد فرموده اند و چند محفل روحانی ملی را به

بمناسبت نخستین انجمن شور روحانی صمیمانه ترین تحیات قلبی خود را تقدیم نموده و مراتب تقدیر و تمجید خود را از موفقیت های برجسته ای که از زمان تغییر ناگهانی اوضاع و میسر شدن تبلیغ فعالانه امر حضرت بهاءالله جل اسمه الاعلی در شوروی بدست آمده ابراز می نمائیم.

این هیئت تاریخ طولانی پیوندهای امر الهی و سرزمین های متعددی را که بعداً بوجود آورنده اتحاد شوروی گشتند با شور و شوق تمام بیاد می آورد. از اینها، چهار سرزمین در زمان حیات هیکل عنصری حضرت بهاءالله پذیرای امر نازنین حضرتش گشتند و سرنوشت یکی از آنان این بود که جایگاه برهائی نخستین مشرق الاذکار دنیای بهائی گردد و نشان دهندۀ تمامیتی از حیات يك جامعه بهائی باشد. فیضی که هیچ جامعه بهائی دیگری تاکنون بدان نائل نشده است. در میان محافل روحانی ملی بهائی در جهان، محافل روحانی ملی بهائیان ترکستان و قفقاز از نخستین محافل ملی بوده اند. در این لحظه، موفقیتها، فداکاری

عنوان مسئول این سرزمین ها تعیین کرده اند .
 تلاشها و مجاهدت های خستگی ناپذیر
 محافل روحانی ملی که عهده دار این مسئولیت
 بوده اند با مساعدت و تشویق و قوه عظیم
 محرکه ایادیان امرالله و مشاورین قاره ای با
 پایداری و شجاعت مؤمنانی که روح امرالهی را
 در سراسر سالهای سرکوب و ستم حفظ
 کرده اند ، خدمات نمونه و بارز مهاجران و
 مبلغان سیار در خلال و پیش از برنامه
 دوساله تکمیلی که سال گذشته بمرحله اجرا
 گذاشته شد ، برتر و مهم تر از همه ، قوه
 جاذبه عظیم گروههای کشوری از مردم اتحاد
 شوروی در قبال امرالهی و تعالیم آن به گونه ای
 ناگهانی و غیر قابل انتظار چنان به بار نشسته
 و ثمر داده است که شالوده ای استوار برای
 ایجاد رکنی تازه از ارکان بیت العدل اعظم الاهی
 را در این سرزمین از قوه به فعل درآورده است .
 اینک ، در شش ماهه پایانی نقشه شش
 ساله ، ابلاغ پیام حیات بخش و شفا دهنده
 جمال قدم جلّ اسمه الاعظم و رساندن آن به
 گوش جان دیگر هموطنانتان که در پی
 دگرگونی سریع اوضاع در وادی حیرت
 سرگردان و جویای ارزشهای نوین هستند ،
 وظیفه ای است خطیر که مجاهدتی روز افزون
 را ضروری میسازد .

نکته حائز اهمیت حیاتی این است که
 اداره و هدایت امور امرالله در اتحاد شوروی
 باید با سرعت در کف تشکیلات و مشروعات
 این سرزمین قرار گیرد و این تشکیلات از
 حمایت و پشتیبانی صمیمانه و قلبی مؤمنان
 اتحاد شوروی برخوردار گردد و بگونه ای
 فزاینده همزمان با پیشرفت امر ، مسئولیت
 پیشبرد و گسترش آن در سرزمین های مختلف

را تا به اهتزاز درآمدن پرچم امر نازنین حضرت
 بهاءالله در هر شهر ، شهرک و دهکده آن مناطق
 گسترده بدوش گیرد .

آن یاران در اجرای این تلاشها و تحقق این
 اهداف همزمان با کار دوش بدوش با مهاجران
 و مبلغان سیار از مشاوره و مساعدت
 هیات های مشاورین قاره ای آسیا و اروپا
 کماکان برخوردار خواهند بود و تلاش هایشان
 بوسیله محافل روحانی ملی که تاکنون مسئول
 این کار بوده اند تقویت خواهد گردید .

فرصت طلائی و بی نظیر و در عین حال
 آزمون مهم تمامی یاران در حال حاضر اثبات این
 نکته است که چگونه وحدت و همیاری را
 میتوان با کثرت و تنوع و ابتکار عمل های
 محلی در فعالیتهای جامعه بهائی بگونه ای
 هماهنگ تلفیق کرد . به همان اندازه که در
 غنی تر کردن حیات معنوی خویش بکوشید و
 با استفاده از تعالیم مبارکه و تلاش برای بیان
 و اثبات اعتقادات خویش از طریق اعمالتان
 موفق شوید قادر خواهید بود به دیگران تأثیر
 گذاشته و آنان را به حقانیت و نیروی لایزال
 دیانت نو یافته خویش معترف سازید .
 دشواری های فراوان در سر راه شما قد
 برخواید افراشت ، ولی با توکل و اعتماد به
 میثاق الاهی برای ایجاد وحدت در جامعه و با
 استفاده از قدرت و نیروی شور و مشورت در
 هدایت امور این دشواریها یک به یک حل
 خواهد شد و جوامع بهائی در سراسر اتحاد
 شوروی با برخورداری از انسجام و نیرومندی
 رشد و نمو خواهد کرد .

با تحیات ابدع ابهی
 بیت العدل اعظم

روزنه ای به سوی اروپای شرقی

تزلزل و پیریشانی نظامات دیکتاتوری اشتراکی، حرکت پر اشتیاق و حرارت عامه مردم در اروپای شرقی و مرکزی بسوی آزادی های سیاسی و اقتصادی و گشایش این بخش از جهان بر دنیای غرب و تجدید آشنائی جماعات خلق با دین و مذهب که تعلیم و تربیت مادی از اوائل قرن یا پس از جنگ دوم جهانی بالکل محکوم و مردود کرده بود از مهمترین حوادثی است که در چند سال اخیر واقع شده و هنوز بعنوان جنبشی بی پایان راه نرسیده، همه آثار و نتایج شگرف خود را آشکار نکرده است. شك نیست که هر يك از ممالك اروپای شرقی و مرکزی فرهنگ و تاریخ و مشخصات اجتماعی خاص خود را دارد و از این رو تعمیم احکام و داوری ها درباره همه آنها موجه نمی نماید معذک باید اذعان کرد که از پاره ای جهات چون آزادی خواهی و حسرت سطح معیشت مردم باختری و شوق مصرف و میل رهائی از انواع قیود تحمیلی گذشته، وجوه اشتراك در میان آنها فراوان است.

از جمله صفات مشترك این جامعه ها، جستجوی نظام فکری و مجموعه ارزش های تازه ای است که خلاء ناشی از سستی و زوال فلسفه مادی اشتراکی را بپوشاند. ظاهراً نقش مذهب در لهستان از همه جا قویتر بوده و

کلیسا در ضمانت از آزادی سندیکائی که ظاهراً نقطه آغاز حرکت اعتراض بر استیلاي حزب واحد بوده نقشی بارز داشته است. در کتابها می خوانیم که ۹۴ درصد مردم این کشور "جمعاً ۳۷ میلیون نفر" کاتولیک هستند و کلیسای کاتولیک دارای دو مؤسسه عالی آموزشی است یکی در لوبلن که دانشگاه کاتولیک باشد و دیگری در ورشو که آکادمی تئولوژی کاتولیک نام دارد. می گویند که شماره کشیشان در آن سرزمین حدود ۲۰ هزار نفر میرسید و در روزهای يك شنبه، کلیساها از جمعیت پیروان لبریز است. معذک بگوای گزارشی از يك سفر که در این شماره آمده است علاقه به تحقیق درباره امر بدیع لااقل در محیط های علمی و دانشگاهی قوت دارد.

در چکوسلواکی نقش مذهب بنظر ضعیفتر می آید. از جمعیت کل که به ۱۵/۵ میلیون نفر میرسد ۵۵ درصد کاتولیک هستند و ۱۰ درصد پرتستان. مشاهدات یکی از اعضای لجنه پیام بهائی مبین است که علاقه به دین و حتی توجه به نبوات و بشارات تورات و انجیل در این مملکت مفقود نیست. مشکل اصلی آن جامعه از مقوله دیگری است و آن اختلافات سیاسی ناشی از ملیت پرستی بین دو گروه چک و اسلواک است که اولی ۶۴ درصد جمعیت را

تشکیل میدهد و دومی ۳۰ درصد آن را و این جاست که تجویز داروی التیام بخش حضرت بهاءالله که توحید ملل و ام است ضرورت حیاتی پیدا می کند.

باعتماد اصحاب جرائد، در هنگری (مجارستان) آزادی اقتصادی بیشتر و بیشتر از همه کشورهای تابع نظام اشتراکی وجود داشته. می گویند ۱۰ میلیون مجار در داخل مرزهای آن سرزمین و ۵ میلیون در خارج مرزهای آن زندگی میکنند (مثلاً در چکوسلواکی، یوگسلاوی، شوروی، آمریکا، کانادا) و ۲۰ درصد به کلیساهای پروتستان تعلق دارند. از جمله نکاتی که در مورد این کشور جلب نظر می کند رواج فعالیت های فرهنگی و هنری در آن است. از کنسرت و اپرا گرفته تا رقصهای محلی فولکلوری و محافل ادبی و سیرک و نمایشگاه های گل و گیاه و نظائر آن که ناچار توجه هنرمندان بهائی را نیز بخود معطوف تواند کرد.

دوستان می دانند که بوداپست پایتخت این کشور به مقدم مبارک حضرت عبدالبهاء ارواحناله الفداء مزین و مطرز گردیده است (رجوع شود به بدایع الآثار جناب محمود زرقانی جلد ۲ صفحات ۲۲۵ - ۲۴۵) و دانشمند بنام مجار آرمین وامبری Vambery (۱۸۲۲ - ۱۹۱۳) که متخصص فرهنگ

ترکان بوده در آن جا به زیارت هیکل مبارک و گرامی داشت آئین الهی توفیق یافته (۱)

می توان گفت که هر جا مردمان گرفتار حرمان مادی و آلام دیگر زندگی بوده اند زمینه بر ظهور و بروز احساسات روحانی مساعد تر و موافق تر شده است. پیشرفت فوق العاده امر رحمانی در کشور رومانی

مصدق همین حقیقت است. جمعیت این مملکت به حدود ۲۳ میلیون بالغ میشود. آئین کاتولیک در آن دیار نفوذی ندارد زیرا ۷۰ درصد جمعیت رسماً به کلیسای ارتودکس رومانی متعلق هستند و ۱۰ درصد به کلیسای ارتدکس یونانی و فقط ۱۴ درصد خود را کاتولیک قلمداد می کنند. وجود يك اقلیت مجار که عدد آن به ۱,۷ میلیون تخمین زده اند روابط میان دو کشور را نه فقط تسهیل نمی کند بلکه گره ها در آن انداخته و می اندازد.

رومانی که روزی انبار غله اروپا لقب داشت اینک از فقیرترین جوامع این سوی جهان است. ترجیح آشکار به طرحهای عظیم صنعتی و حمایت بیدریغ از شهر نشینی در سالهای طولانی گذشته اختلال بسیار در کار کشت و زرع و روستا نشینی فراهم آورده و ناگزیر مدت طولانی تری ضرور است تا چاره اساسی برای مشکل کم غذایی در رومانی پیدا شود. گرچه بیش از پنجاه سال پیش ملکه این کشور علاقه و احترام خود را بامر بهائی رسماً اعلام کرده بود اما بعد از گشوده شدن دروازه های این سرزمین بر دنیای آزاد، ملاحظه شد که باید جامعه بهائی را از نو ساخت. چنان که همین مطلب در مورد چکوسلواکی و بلغارستان هم که قبل از جنگ دوم جهانی جوامع بهائی بالنسبه مهمی داشتند صدق کرده و می کند. نخستین بذره های هدایت در شهر دوم این کشور کلوز Cluj افشانده شد اما بزودی شهرها و مناطق دیگر چون بوداپست نیز از باران رحمت الهی بهره مند شدند و همه جا نهالهای نو کاشته ایمان روئیدن گرفت تا بجائی که در رضوان امسال به تشکیل محفل روحانی ملی منجر شده و اکنون شماره بهائیان از

پیام بهائی شماره ۱۴۱

**

در مورد آلبانی که حصارهایش از دیوارهای برلن محکم تر بنظر می رسد کسی باور نمی کرد که باین زودی و آسانی رخنه هائی در آن پیدا شود و نسیم هدایت الهی بر آن سرزمین نیز بگذرد و نخستین شکوفه های ایمان بر اشجار وجود آدمیان بردمد حال جامعه بهائیان ایتالیا هستند که دست اندر کار بذر فـشانی و آبیاری در آن خاک پر استعداد شده اند سرزمینی که يك جمعیت بالغ بر ۲,۹ میلیون را در بر می گیرد و اکثریت مردمش بر مذهب اسلام (۶۵٪) و قلیلی بآیین ارتدکس (۲۵٪) است. امید که یاران ایتالی بزودی دامن گلهای عطر افشان از آن باغ و چمن بارمغان آورند.

از یوگسلاوی هم باجمال سخن می گوئیم سرزمینی با حدود ۲۳ میلیون جمعیت مختلط از سربها - کراوت ها و تعدادی اقلیت ها و نیز با ادیان متعدد چون ارتدکس (۴۱ درصد) - کاتولیک (۳۲ درصد) - مسلمان (۱۲ درصد) که دوره دشواری ازبرخورد فیما بین گروه های مختلف فرهنگی و دینی را در حال حاضر طی می کند و علائق فدرال که سابقاً ۶ جمهوری را بهم پیوند می داده اکنون در معرض آزمایشی خطیر قرار گرفته است. معذک در همین شرایط پر تلاطم نیز امر الهی در آن مملکت رو به گسترش است و امید می رود که بزودی پایه های لازم برای استقرار تشکیلات ملی در آن سرزمین هم استقرار پذیرد.

**

داستان اتحاد جماهیر شوروی* این سرزمین

*شوروی با ۲۲,۴ میلیون کیلومتر مربع وسیع ترین کشور جهان محسوب است.

۱۲۰۰ یا بیشتر تجاوز می کند.

سرزمین دیگری که امر مبارک در آن به سرعت رشد و نمو می کند و شنیده شد که بعد از محفل دوم خود در ماه ژوئن و ژوئیه در کار تشکیل سومین محفل روحانی بودند بلغارستان است، کشوری که سالها به حضور و خدمات پر جلوه و نور ماریون جک سرمشق مهاجران آراسته بود و حضرت عبدالبهاء هم در حیات خود شاهد انعکاس پرتو امر بدیع در آن دیار بودند. (۲) این مملکت که جمعیتش فقط ۹ میلیون نفر است و منشاء اسلاوی دارد بنا بقول پژوهندگان کمتر از ممالک همسایه به دین و مذهب متمایل بنظر میرسد بطوری که فقط اقلیتی از مردمان آداب و رسوم مذهبی را رعایت می کنند و بکار می آرند. (سی در صد ارتودکس - ۵ درصد مسلمان و ۱ درصد کاتولیک). دو اقلیت مهم این کشور یکی ترکها هستند (۵درصد) و دیگر کولی ها (۲,۵ درصد) که خوشبختانه لااقل گروه اول استعداد شگفتی برای قبول کلمه الهی از خود نشان داده است اما چون رابطه میان اکثریت خلق و این گروه اقلیت خوش و مطلوب نیست در امتزاج و التیام و اتحاد آن دو گروه کار دشواری در پیش است.

سوفیا که پایتخت این کشور است و نامش را در خلال زندگی نامه ماریون جک می خوانیم (نگاه کنید به صفحه ۱۹) بیش از يك میلیون جمعیت دارد و امید می رود که در سال ۱۹۹۲ در آن جا هم پایگاه يك محفل روحانی ملی تازه نهاده شود.

پیام بهائی شماره ۱۴۱

پهناور که افزون از ۲۸۵ میلیون جمعیت و ۱۲۶ ملت و ملیت و ۱۵ جمهوری را در بر می گیرد در چند جمله خلاصه نمی شود. ورود و نفوذ امر مبارک باین سرزمین سابقه طولانی دارد چنان که سابقاً هم در همین مجله شرحش آمده است. (۲) شوق روحانیت در این کشور بزرگ که بیش از هفتاد سال در سایه فلسفه ای مادی اداره می شد بیش از آن است که در بادی نظر تصور می رفت از این رو تعداد محافل روحانیت در دو سال از عدد بیست فزون تر شد و یک محفل روحانی در سطح عمومی کشور در همین سال ۱۹۹۱ بوجود آمد. شك نیست که بذره‌های هدایتی که از اواخر قرن پیش و تا دهه سوم این قرن در آن سرزمین مستعد کاشته شد، سرزمینی که شعرا و نویسندگان و محققانش چون گرینوسکایا - تومانسکی - تولستوی هم از آغاز ستایش و احترام خود را بصور مختلف بامر جدید ابراز نموده بودند، امروزه در کار آن است که خرمن‌ها ببار آورد و شاید ده‌ها و نبوغ خاص این جامعه که بعضی از اعظم شاعران، داستان نویس، موسیقی سازان و فرزندگان جهان را در دامان خود پرورده در جامعه بین المللی بهائی نیز در آینده ایام آثار درخشان از خود پدیدار کند. (۴)

هیئت تحریریه پیام بهائی

۱ - در مورد وامبری در سفرنامه جناب محمود زرقانی چنین می خوانیم (ص ۲۳۶ - ج ۲): از جمله بیاناتی که (پروفسور وامبری) آن روز باین عبد مکرر می گفت این بود که من عمری را در سیر و سیاحت ممالک مختلفه گذراندم و تا حال چنین وجود اکرمی جامع فضائل عالم انسانی و خیرخواه عموم ندیده‌ام.

فی الحقیقه کماکان این وجود مبارک و تعالیم این امر اعظم بحال عموم مفید است علی الخصوص ام شرق بالاخص مسلمین که ملک و ملتشان رو بزوال است... اگر امیدی برای سیادت آنها باشد توجه و تمسک باین امر است الی آخر...

متن نامه عربی وامبری بحضرت عبدالبهاء در ستایش آن وجود مبارک در صفحات ۲۲۸ - ۲۳۹ آمده.

۲ - این داستان را خود حضرت عبدالبهاء حکایت فرموده اند (به نقل از یادداشتهای دکتر ضیاء بغدادی): بعد از صعود جمال مبارک این شعر را گفتم: شرق منور نما - غرب مطر نما - نور به بلغارده - روح به صقلاب بخش دشمنان بسیار خندیدند گفتند در بلغار هم کسی بهائی پیدا می شود؟ حال ببینید (در آن مجلس مبارک یک مسافر بلغاری حاضر بوده است) (پیام بهائی - شماره ۱۰۹ - ۱۰۸ ص ۴۱ - ۴۳)

۳ - رجوع شود به مقاله آقای دکتر هوشنگ رأفت حماسه مدینه عشق در شماره ۱۲۸ پیام بهائی.

۴ - جالب توجه است که سالنامه آماری ۱۹۹۰ بریطانیکا (دائرة المعارف) در جدولی که در صفحه ۳۱۶ در مورد توزیع پیروان ادیان مختلفه جهان در هفت مناطق قاره ای جهان ارائه کرده این اطلاعات آماری را بدست می دهد: تعداد بهائیان جهان ۵,۰۷۲,۰۰۰ نفر تعداد ممالکی که بهائیان در آن بسر می برند ۲۰۵ (مسیحیان در ۲۵۱ کشور سکونت دارند - مسلمانان در ۱۷۲ مملکت و یهود در ۱۲۵ کشور) جمعیت بهائی در افریقا ۱,۳۱۰,۰۰۰ در آسیا ۲,۵۱۰,۰۰۰ در اروپا ۸۵,۰۰۰ در آمریکای لاتین ۷۵۰,۰۰۰ در آمریکای شمالی ۳۴۰,۰۰۰ در اقیانوسیه ۷۱,۰۰۰ و در شوروی ۶,۰۰۰ معلوم نیست که این آمار از کدام مأخذ بدست آمده است. طبق این جدول یک هزارم جمعیت دنیا بهائی است.

در اروپای شرقی چه می گذرد

بُعد مسافرات در آن کشور شرکت کرده بودند از جمله بحث های مهم انجمن شور مذکور مساله ثبت رسمی تشکیلات بهائی و تولید و توزیع آثار مورد نیاز بزبان روسی بود از جمله نکات قابل توجه در کانونشن ملی حضور نماینده رسمی شورای دولتی امور مذهبی بود که بطور ضمنی شناسائی امراللهی را حکایت می کرد.

اعضای منتخب محفل ملی از مناطق مختلفه این کشور وسیع هستند از مورمانسک در نزدیکی فنلاند گرفته تا ساخالین در آن سوی سیبری.

شنیدنی است که مجامع دانشگاهی نیز بمطالعه امر مبارک علاقه مند شده اند چنانکه در کازان پایتخت تاتارستان دانشگاه درنظر دارد که درسی را در مدت ۱۵ هفته (از سپتامبر تا دسامبر ۱۹۹۱) به موضوع مهم "نظرگاه بهائی در مورد تمدن جهانی" اختصاص دهد. دروس بلسان انگلیسی داده خواهد شد و دانشگاه خود مسئولیت ترجمه را عهده دار میشود. هر یک از مدرسان ویزای سه هفته اقامت در شوروی دریافت خواهد کرد. هزینه

در بلغارستان طرحی بنام جرج آدام بنگه توسط شورای جوانان اروپا برای تبلیغ جمعی بمرحله اجرا درآمده* از نتایج این طرح تصدیق بانوئی بوده که حدود چهل سال قبل با ماریون جک مبلغه و مهاجره نامدار بهائی آشنا و مأنوس شده و حال بذر هدایت که در آن ایام در قلبش کاشته شده بود به ثمر رسیده است. طبق گزارشی که در ماه ژانویه امسال از آقای سین هیتون رسیده در جلسات عمومی و بیوت تبلیغی ۲۶۵ نفر شرکت جسته و از آن میان ۳۱ نفر تصدیق امر مبارک را کرده اند.

در شوروی نشانه های توسعه سریع امراللهی

فراوان بچشم

می خورد. حال

تعداد محافل

روحانی محلی

ظاهراً به ۲۸

رسیده است.

در کانونشن

ملی ۳۵ نفر از

۳۸ نماینده

علیرغم



*وی اول شهید بهائی در اروپا بوده و مقبره اش در سوفیا واقع شده است. شرح حال او در جلد پنجم عالم

بهائی - ص ۴۱۶ آمده است.

پیام بهائی شماره ۱۴۱

دراولین جلسه محفل روحانی جدید سوادی از دستخط های مهمی که بیت العدل اعظم از بدو تاسیس (۱۹۶۳) تاکنون (۱۹۹۱) صادر فرموده اند بمحفل مذکور اهداء گردید .

هنگام انتخاب نمایندگان انجمن شور روحانی ملی تعداد محافل محلی روحانی در آن کشور به ۹ بالغ شده بود .

لهستان - در تاریخ ۱۶ مارس ۱۹۹۱ اولین محفل روحانی این کشور در ورشو تشکیل شد . هدف

کنونی مربوط به لهستان آن است که سعی شود محفل روحانی ملی در رضوان سنه ۱۹۹۲ بر پایه های محکمی در آن کشور بنا



شود . تعدادی اسفار تبلیغی برای ۵ شهر ذیل که قرار است در آنها محفل روحانی بوجود آید در نظر گرفته شده است : گدانسک، کراکو، لودز، پزنان و رکلاو - Gdansk, Kra-cow, Lodz, Pozndn, Wroclaw شورای اروپائی جوانان اجرای طرح "لیدیاز امنهوف" را بیاد بهائی شهید آن کشور و دختر واضح زبان اسپرانتو لیدیا پیش بینی کرده است . در میان شرکت کنندگان در این اسفار تبلیغی گروه های نوازندگان و خوانندگان هم سهمی بارز خواهند داشت . مانند گروه کاوایرا از مالاوی و دو گروه از انگلستان .

چکوسلواکی - جامعه جوان و فعال چکوسلواکی که در رضوان امسال موفق به تشکیل اولین محفل روحانی ملی خویش

اقامت در محل را هم دانشگاه تأمین خواهد نمود . (نقل از متحدالمال کمیته تبلیغ اروپای محفل ملی آلمان مورخ ۱۵ آوریل ۹۱)

محفل روحانی ملی آلمان برای تابستان ۱۹۹۱ پنج طرح سفر تبلیغی و تشویقی به شوروی پیش بینی کرده که همه آنها بنام حروف حتی احبای ممالک دیگر را برای کمک تبلیغی بآن کشور پهناور سوق خواهد داد .

در رومانی گسترش امرالهی ظاهراً از همه

جا سریعتر روی داده بطوری که چندی قبل از هزار بهائی جدید در آن کشور سخن میرفت . مشارکت حضرت روحیه خانم در کانونشن ملی آن کشور گویای



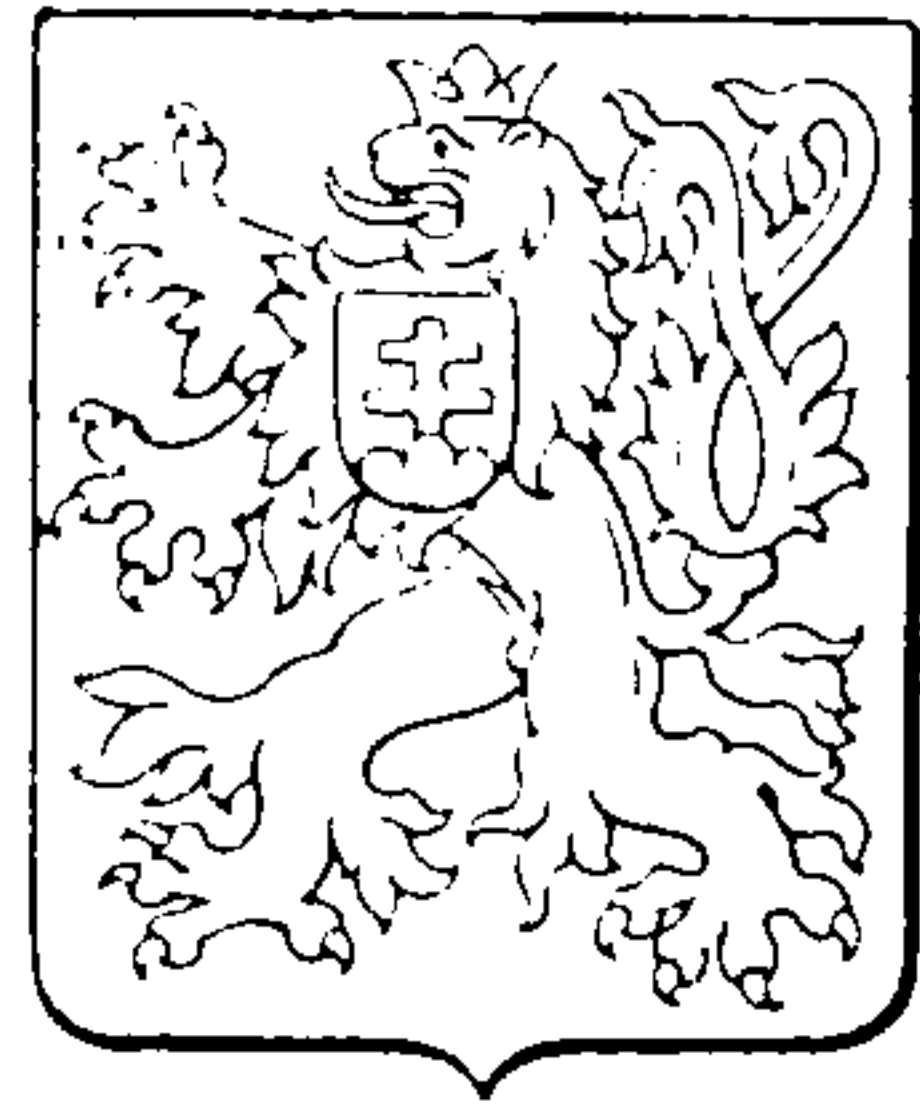
اهمیتی بود که بیت العدل اعظم الهی برای سرزمینی که در تاریخ امرالهی نخستین ملکه از آن جا اقبال بامر حضرت ذوالجلال نموده است قائل هستند . در کانونشن ملی رومانی حدود ۳۰۰ نفر شامل ۳۰ بهائی که از ۱۵ مملکت دیگر آمده بودند حضور داشتند . ۳۷ نفر از ۲۸ نمایندگان منتخب در کانونشن حاضر بودند .

در شب نهم رضوان حضرت امه البهاء نطقی در مجمعی عمومی نمودند که منجر به تصدیق ۳۷ نفر در همان مجلس شد . تلویزیون ملی رومانی برنامه ای ۴۵ دقیقه ای درباره امر مبارك پخش کرد که ضمن آن مصاحبه هائی با حضرت روحیه خانم و بهائیان رومانی بود .

پیام بهائی شماره ۱۴۱

گردید. در حدود ۱۱۰ نفر در کانونش ملی شرکت کردند. هر ۹ نفر اعضای کانونش ملی حاضر بودند که

برخی از آنان را مهاجران تشکیل می دادند. از اعضای محفل ملی جدید نیز ۶ نفر از مهاجرین و سه نفر از مردم



محلی (چک) هستند.

علاوه بر عکس حضرت عبدالبهاء عکس اولین بهائی شناخته شده چکوسلواکی بنام آقای میلوس سواتوپلوك وورم M.S.Wurm که ساکن برنو بود و در جنگ جهانی اول درگذشت، سالن زیبای محل کانونش را در کنار گلهای سرخ زینت می داد. ناگفته نماند که محافل روحانی محلی که در طی ماه ژانویه ۹۱ در آن کشور تأسیس شده عبارت بوده اند از محافل: براتسلاوا - برنو - الوموک.

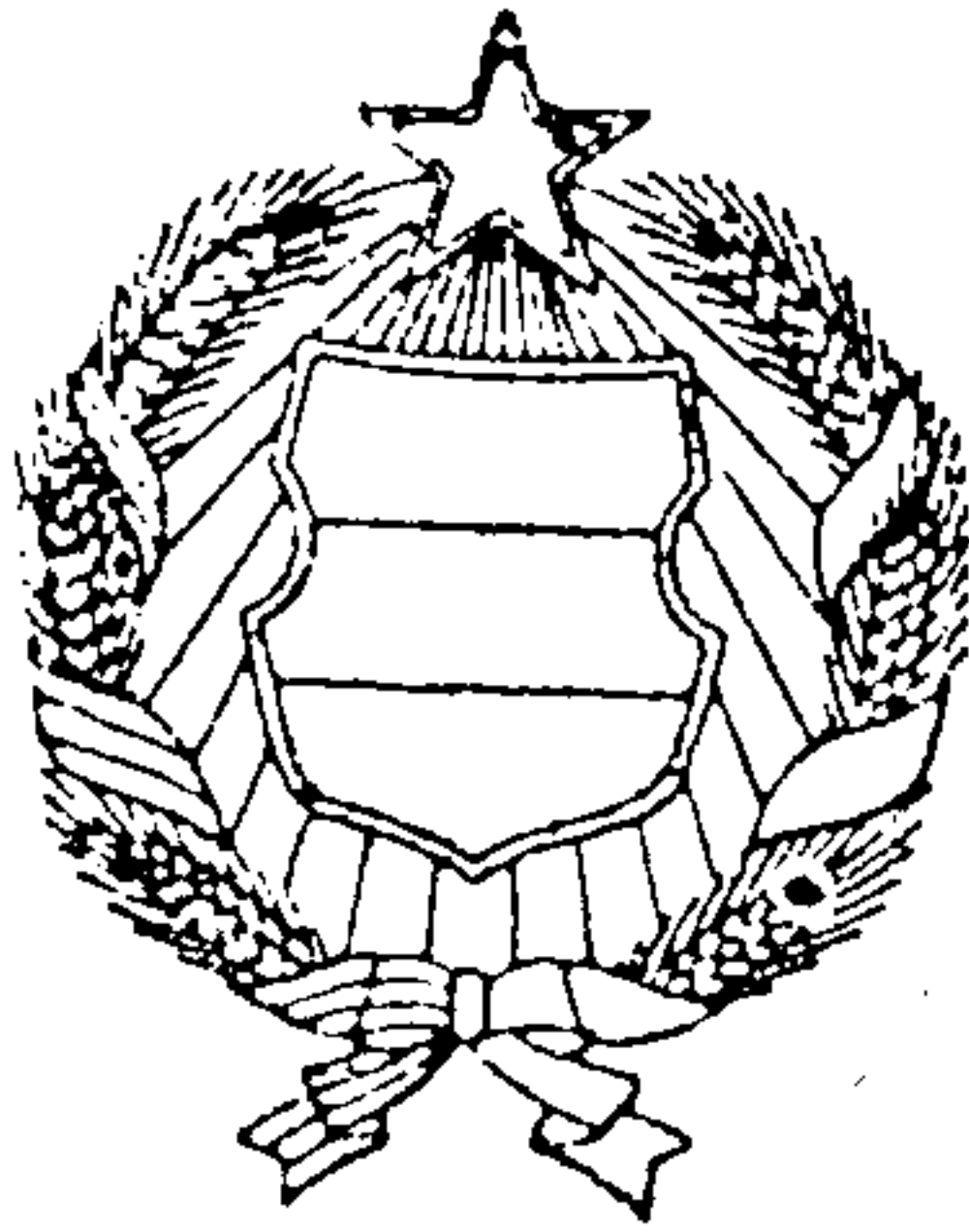
یوگسلاوی - طبق گزارش محفل ملی آلمان (دسامبر ۱۹۹۰) محفل روحانی بلگراد در ۲۵ نوامبر سال قبل تشکیل شده محفل جدیدالتأسیس محلی اسکوپیه Skopje هم فعالیت های خود را با شور و حرارت بسیار آغاز کرده است. در یوگسلاوی



مانند بلغارستان - مجارستان و لهستان کمیته ملی تبلیغ تشکیل شده که پیشرفت و توسعه امر را در این ممالک تسهیل نماید. از جمله اقدامات این کمیته ها برپا داشتن کنفرانسهای ملی تبلیغ بوده که امید می رود در بسط و گسترش امر تأثیر بارز داشته باشد.

مجارستان - در پیام بیت العدل اعظم بشارت تشکیل

اولین محفل روحانی در آن کشور چندی قبل داده شده بود اولین مدرسه تابستانه آن کشور در ماه اوت در منطقه زاگرب برقرار



خواهد شد و انتظار می رود که شرکت کنندگان بعد از مدرسه بفعالیت های تبلیغی دسته جمعی مبادرت نمایند. بهمت جوانان اروپا دو طرح تبلیغ یکی بنام وحید در آوریل - مه و دیگری بنام کلیس فدرستون در ماه ژوئیه در مجارستان بموقع اجرا در خواهد آمد که انشالله ثمرات آن ازدیاد نفوس در این کشور خواهد بود. طبق تلگرام مورخ ۸ ژانویه رسیده از اطریش نخستین محفل روحانی مجارستان در شهر سوپرون Sopron تشکیل گردیده است.

در سفری که آقای لوتی هـنوز مشاور قاره ای اروپا به مجارستان داشتند (ژانویه ۹۱) ۶۵ نفر از یاران متعلق به ۹ نقطه مختلف در کنفرانس ملی تبلیغ در بوداپست شرکت کرده بودند و ۱۲ نفر از دوستان رومانی هم در این کنفرانس حضور داشتند.

شرح سه سفر :

در میان مردم تاجیکستان

از: عهدیه پاکروان

دیگری در شهر دوشنبه برای دانشجویان و استادان که با شوق و ذوق سرشاری در سالن مخصوص اجتماع کرده بودند و تعدادشان به ۴۰۰ می رسید از امر بهائی و مبادی آن بخصوص اصل تعلیم و تربیت گفتگو شد در میان این صحبت ها برای شنوندگان ترانه هائی هم اجرا می کردم که همه بسیار دوست می داشتند و در نتیجه با علاقه و محبت بیشتری بحرف هائی که برای آنان می زدیم گوش فرا می دادند.

در برنامه های متعدد رادیویی، تلویزیونی و در مصاحبه های با روزنامه بطور علنی اصول دیانت بهائی مطرح می شد و حتی در یکی از برنامه های تلویزیونی که يك ساعت و نیم طول کشید همراه با عرضه موسیقی ایرانی و آواز فارسی بعد از صحبت درباره امریهائی نصوص مبارکه ای از حضرت بهاءالله نیز تلاوت شد. با وزیر ادیان و شهردار شهر دوشنبه ملاقات های متعددی انجام شد و سرانجام با پی گیری کار و زحمت زیاد آقای پزشکیان امرالهی در تاجیکستان برسمیت شناخته شد. در ملاقات رسمی با شهردار شهر دوشنبه نامبرده ما را مطمئن کرد که هر گونه کمک و مساعدتی در مورد تحصیل يك زمین مناسب برای مرکز بهائی

وقتی بمقصد رسیدم (شهر دوشنبه) صبح روز ۱۲ نوامبر ۱۹۹۰ بود با تعجب ملاحظه شد که جمعی ازمقامات رادیو و تلویزیون و فیلم برداران و نمایندگان سازمان فرهنگی دوستی با کشور های خارجی در پائین پله های هواپیما منتظر بودند و همان جا با من مصاحبه کردند و در نتیجه هر شب در برنامه تلویزیون برای کنسرت هائی که قرار بود این جانب در شهر دوشنبه و اطراف آن بدهم تبلیغات می کردند. مردم تاجیکستان و سرزمین های اطراف آن موسیقی ایرانی را بسیار دوست می دارند و از برنامه های کنسرت ما بگرمی و محبت بیش از حدی استقبال می کردند. در تمام کنسرتها چند دقیقه در مورد هدف ما از آمدن به تاجیکستان که همانا رساندن پیام صلح و دوستی از طرف جامعه جهانی بهائی بود و نیز از اصل وحدت عالم انسانی، و وحدت ادیان سخن می رفت و آقای هوشنگ پزشکیان هم در این گفتگوها شرکت داشتند. در کتابخانه فردوسی در شهر دوشنبه برای کارمندان از امر مبارك صحبت شد خصوصاً از اصل تطابق علم و دین و وحدت عالم انسانی و پیام صلح در میان آنان پخش گردید و نیز در دو دانشکده تعلیم و تربیت یکی در کولاب و

پیام بهائی شماره ۱۴۱

کتاب اصول عقاید بهائیان بزبان فارسی به رئیس مرکز علوم اهداء شد.

در خاتمه باید بگویم که در این سفر تأییدات الهی بی در پی می رسید و همیشه و در هر لحظه این مناجات بطور روشن در برابر دیدگانم بود: "اگر عنایتت رسد قطره دریا گردد و ذره آفتاب شود" و الا این ذره بی مقدار و ناچیز کجا و این همه تأییدات و توفیقات کجا؟*

* طبق نامه دیگری از خانم مهدیه ایشان و برادران و فرزندان ایشان از ۱۲ جولای تا اوائل سپتامبر سال پیش چند کشور اروپای شرقی را بازدید کرده و در آن مدت ۱۶ نفر بر اثر ابلاغ امرالله بشرف ایمان فائز شده اند. (لهستان - چکوسلواکی - مجارستان - یوگسلاوی)

و تهیه حظیره القدس مبذول خواهد داشت. از طرف گروه ما ۵ درخت که مظهر دوستی پنج قاره جهان است ب مردم شهر اهداء گردید که مراسم کاشتن آن در حضور گروهی از مقامات فرهنگی و دولتی انجام و فیلم برداری شد.

در یکی از روزها با شاعره و خبرنگار بنام افغانی خانم شفیقه یارقین که همراه رئیس مرکز علوم اجتماعی آکادمی علوم در کابل بدیدن ما آمده بود مصاحبه انجام شد و خانم نامبرده خاطر نشان ساخت که مردم افغانستان حتی بیش از مردم تاجیکستان موسیقی ایرانی و هنرمندان ایرانی را دوست دارند. پیام صلح بزبان فارسی بخانم نامبرده و

کنسرت و اعلان امر در ده شهر رومانی

از خانم: ایراندخت عنایتی

بودند و هم مبلغ و مصداق این طفل يك شبه ره صد ساله میروند. یکروز در تبلیغ خیابانی جوانی غیر بهائی که انگلیسی میدانست برای ترجمه بکمک من آمد و مدت طولانی در حالی که ۳۰ - ۴۰ نفر جمع شده بود بحث و گفتگو در گرفت و این جوان به کسانانی که تازه می آمدند خودش صحبت های قبلی را تکرار میکرد. شب کنسرت در میان بود دیدم همان جوان با گرمی با من رویرو شد و احوال پرسید کرد معلوم شد همانوقت تصدیق امر مبارک را

در ماه اوت سال گذشته گروه موسیقی دولکامرا از اسپانیا به همراهی حدود سی نفر از احباء از نقاط مختلف کشور رومانی بازدید بعمل آورد و در طی سه هفته در حدود ده شهر کنسرت اجرا کرد و اعلان امرالله نمود. روح همکاری و محبتی که در بین احباء وجود داشت جاذب تأییدات الهیه گردید و در حدود ۲۵۰ نفر مصدق بر جمع یاران آن دیار افزوده شدند. احبای تازه تصدیق رومانی هم مترجم

کرده است.

گروه دولکامرا مرکب از چهار جوان بهائی بود که برنامه موسیقی خود را به نحو احسن اجرا می کردند بخصوص که یک موزیسین معروف رومانی هم بانان پیوست و بمعرفیت و جالب شدن کنسرت کمک بسیار نمود.

در هر شهر تازه تصدیق ها فوراً بهمراهی و کمک گروه می آمدند. مثلاً در یک شهر خانمی که گوینده رادیو محلی بود با نهایت زیبایی و جذابیت برنامه کنسرت آن شهر را اداره کرد و در خاتمه بهمه اجرا کنندگان گل هدیه نمود.

رومانی ها تشنه روحانیت و کلمات الهی هستند. یکی از مصدقین که هنرمند بود و نیز اطلاعات وسیعی از ادیان مختلفه داشت حکایت میکرد که وقتی این بیان کلمات مکنونه را نخست بزبان نزولی و بعد در ترجمه شنیده که "ای بنده من - از بند ملک خود را رهائی بخش و از حبس نفس خود را آزاد کن" چنان احساس انقطاع و آزادی کرده که بی اختیار تصدیق امر مبارک را کرده است.

بعد از هر کنسرت تا ساعت ۱۲ شب یا بیشتر بحث و گفتگو با مبتدیان حاضر در میان می آمد و بطور متوسط هر شب ۲۰ - ۳۰ نفر تصدیق می کردند و بانان کتاب بهاءالله و عصر جدید - کلمات مکنونه - مناجات و پیام صلح بزبان رومانی داده میشد و تشویق می شدند که در شهر خودشان با سایر دوستان خویش به مطالعه آن آثار بپردازند.

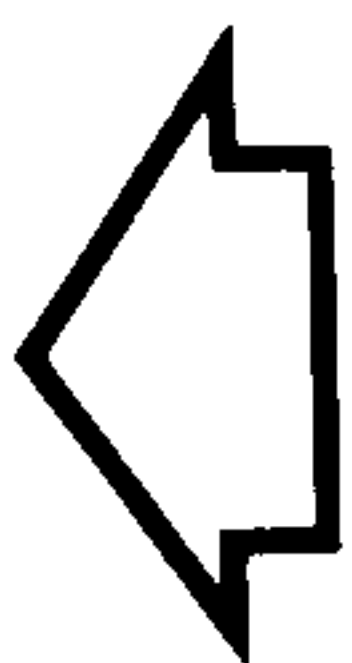
یک خانواده کولی که چند هفته پیش در طرح تبلیغی طاهره در کنار دریا تصدیق کرده بودند در این مدت کم سبب ایمان ۱۲ نفر از افراد خانواده و دوستان خود شدند. همین نفوس وقتی در شهرشان کنسرت بود بکمک

ما آمدند و خانه خود را برای مطالعه آثار امری در اختیار ما گذاشتند و در آن جا به بسیاری از کولی ها ابلاغ امر مبارک شد.

یک بار در خیابان در مقابل یک موزه می خواستیم ارکستر اجرا کنیم باران شدید گرفت و هر چه دعا کردیم بند نیامد. بالاخره یکی از تماشاچیان که در موزه کار می کرد دلش برحم آمد رفت و اجازه گرفت که مردم بتوانند در یک سالن موزه جمع شوند و سخنان ما را بشنوند. در آن جا ۷ نفر تصدیق امر را کردند و آنوقت فهمیدیم که چرا هر چه دعا کردیم باران قطع نشد!

در مورد این سفر مقالات زیادی در روزنامه ها نوشته شد و چندین مصاحبه رادیویی داشتیم و تلویزیون سرتاسری دو سه بار برنامه و محل کنسرت ما را اعلام کرد. در جلسه شوری که بتوصیه رئیس تلویزیون ملی داشتیم عکس العمل مخاطبان ما باور ناکردنی بود می گفتند دیانت بهائی تنها دیانتی است که احتیاج رومانی را به روحانیت بر می آورد.

یک بار در راه ماشین ما خراب شد چون خیلی دیر وقت بود خود را بزحمت بمنزلی در نزدیکی رساندیم معلوم شد که پدر و پسر مکانیک هستند. اجباراً در منزلشان خوابیدیم. ماشین را درست کردند و تمام خانواده هم تصدیق امر مبارک را نمودند و آن وقت حکمت خراب شدن ماشین ما معلوم شد.



شبهه ای از خاطرات سفر يك ماهه به لهستان

از: فریدون مظلوم

سوم می در منزل یکی ازدوستان که عملاً مرکز بهائی شده است جلسه تبلیغی داشتیم و در آن جا بعد از صحبت، ۵ نفر اظهار ایمان کردند ولی مهاجرین عزیز را عقیده بر این بود که باید معلومات امری اینان عمیقتر گردد تا بتوانند وارد جامعه بهائی شوند.

روز دوشنبه ۵ می از لحاظ تبلیغی روزی پر برکت بود زیرا توانستم با چندین نفر از نزدیک صحبت کنم و در تمام این ملاقات ها با خودم روزنامه *Gazzeta Polska* را همراه داشتم. روزنامه ای لهستانی که در سال ۱۸۷۵ چهار مقاله در صفحه اول خود درباره دیانت بهائی نوشته بود و نیز کتاب مفصلی را که در شرح احوال "لیدیازامنهوف" چند سال قبل به طبع رسیده همراه خود داشتم و با ارائه آنها، کنجکاوی افراد را بر می انگیزتم. با این که زبان لهستانی نمی دانستم اما در همه جا و همه لحظات ملائکه تأیید پیاپی می رسید.

در روز سه شنبه ۶ می کار مهم بنده صحبت در دانشگاه بود. بعد از اتمام صحبت دختر خانمی دانشجو دو کتاب امری بزبان آلمانی و نیز کتاب دکتر اسلمونت بزبان لهستانی را جلوی چشم من گذاشت. معلوم شد پدر شوهر او که اینک در دانمارک بسر می برد خیلی علاقه به تعالیم مبارکه داشته و در نتیجه این کتابها را از هر کجا بدست آورده است. بعد از صحبت، دانشجویان سؤالات متعددی درباره نماز و نوروز، تقویم بهائی، زبان

روز بعد از ورودم به پایتخت بدانشگاه آن شهر رفتم و اول فردی را که ملاقات کردم استادی لهستانی حدود ۶۵ ساله بود که سه سال است امر مبارک را تصدیق نموده است. بعد بدانشکده دیگری رفتم که استادان آن را از سفر قبلم می شناختم. وقتی وارد شدم بدون معطلی مرا به سر کلاس بردند و خواستند که از تاریخ و تعالیم امر مبارک صحبت کنم. صحبتی که دو ساعت بطول کشید و دانشجویان سؤالات متعددی کردند و دو سه نفرشان اظهار اشتیاق کردند که بهائی شوند. روز بعد از برگذاری جشن دوازدهم عید رضوان در محضر احباء به مجمع نویسندگان رفتم و توانستم در آن جا با یکی از نویسندگان معروف لهستان ملاقات کنم و امر مبارک را باو ابلاغ نمایم. او ما را برای کنفرانسی که دو روز بعد تشکیل می شد دعوت کرد و این کنفرانس موقعیت بسیار مناسبی بود برای ابلاغ امرالله و توزیع پیام وعده صلح جهانی باافراد فرهنگی و برجسته مملکت و از جمله به نویسنده نام آور گرمک Geremek و سفیر مجارستان در لهستان. همان شب وعده ملاقات با يك روزنامه نگار درمنزل یکی از مهاجرین بهائی انگلیسی بود. جالب این است که وقتی روزنامه نگار رسید با خوشحالی فراوان گفت که روز هشتم می از ساعت ۹ الی ۱۱ صبح رادیوی ملی لهستان برنامه ای برای احباء ترتیب داده است. روز

بین المللی، بقای روح ضیافت نوزده روزه، ارتباط امر با اسلام و نظائر آن کردند. در شهر لوبلن Lublin علاوه بر ملاقات يك تن از احباء، مغازه آنتیک فروشی یکی از دوستان لهستانی را پاتق خود کردم و در آن جا با افراد متعددی آشنا شدم. در همین شهر بود که بمعرفی همین دوست توانستم با يك روزنامه نگار - شهردار شهر - رئیس موزه - معاون رئیس دانشگاه کاتولیک ملاقات کنم. به شخص اخیر گفتم که یکی از اولین رؤسای همین دانشگاه در سال ۱۹۱۴ در حیفا بحضور مبارك حضرت عبدالبهاء مشرف شده و در بازگشت در یکی از مجلات، مقاله ای در مورد این ملاقات به چاپ رسانده است. در کتابخانه این شهر دیدم که حداقل ۲۷ جلد از آثار امری بهائی بزبان های انگلیسی، اسپرانتو، فرانسوی و لهستانی موجود بود و از جمله آن کتب، خطابات حضرت عبدالبهاست که در سال ۱۹۱۵ توسط يك مجمع روحانی غیر بهائی به زبان لهستانی ترجمه شده است. از جمله افرادی که در دانشگاه ملاقات کردم جوانی بود که مشغول طی دوره دکتری خود در رشته فلسفه بود. وقتی از تعالیم مبارکه مطلع شد فوری تصدیق کرد و در مذاکره خود با مهاجره آلمانی آن شهر خانم کرنلیا پیشنهاد نمود که منزل او بعنوان مرکز آموزش بهائی پذیرفته شود.

۱۲ می به شهر کراکو رفتم. در این شهر ۶ نفر جوان مهاجر از ۶ مملکت با چند مؤمن لهستانی زندگی می کنند و بزودی محفل روحانی خود را تشکیل خواهند داد. در مدت اقامت در آن شهر دوبار در دانشگاه صحبت کردم و دانشجویان از این که با تعالیم مبارکه آشنا می شدند اظهار مسرت و ممنونیت کردند. جالب این که در دانشگاه این شهر نیز کتابهای امری متعددی وجود دارد و از آن

جمله است، کتاب بیان فارسی.

روز ۱۶ می با قطار شبانه وارد شهر دانسیک شدم. از جمله امور شگفت که در این شهر روی داد ملاقاتم با استاد کرسی تاریخ ادیان بود که وقتی متوجه شد من بهائی هستم گفت این خواست خداست که ترا باین جا فرستاده چون او و چند استاد دیگر مأمور تهیه کتابی جدید درباره تاریخ ادیان شده اند و وظیفه او نوشتن فصلی درباره دیانت بهائی است. لذا هر چه کتاب در کیف داشتم تقدیمش نمودم.

روز ۲۱ می چون صاحب خانه من در ورشو کارمند اداره يك روزنامه کاتولیکی بود بآن اداره رفتم و با مدیر روزنامه بمدت ۱،۵ ساعت صحبت شد و در آخر کتاب کلمات مکنونه و یکی دیگر از آثار جمال قدم بلسان لهستانی را برای استفاده روزنامه باو هدیه کردم. در این روز مطلع شدم که يك فیلسوف لهستانی کتابی درباره دیانت بهائی می نویسد و با نهایت فروتنی خود نسخه خطی آن را باحباء تسلیم کرده که ملاحظه کنند و اگر اشتباهی در آن هست تذکر دهند تا اصلاح کند.

۲۲ می شب اظهار امر حضرت اعلی بود. جشنی شاد و روحانی و پر برکت در منزل یکی از مهاجرین برپا شد و بیش از ۲۵ نفر در آن شرکت کردند. روز آخر برای دیدار يك رهبر ارکستر رفتم و کلمات مکنونه را باو هدیه کردم.

براستی این ماه از بهترین ایام زندگیم بود و از جهت روحانی برکت بسیار داشت امیدوارم باتفاق همسر و فرزندانم تابستان امسال مجدداً سفری پانزده روزه بآن مملکت بکنیم و بار دیگر شاهد تأییدات فائزه از جمال مبارك باشیم.

جاتان خوش باد

پیادی از یک قهرمان جاودان :

ماریون جک *



ماریون الیزابت جک

غم همسر خویش این جهان را بدرود گفت (۱۸۸۴). در فاصله سالهای ۱۸۸۰ و ۱۸۸۴ ماریون به تحصیل نقاشی پرداخت ضمناً دروسی را از انستیتوی هنری زنان در سن ژان گرفت. در ۱۸۸۵ یعنی یکسال پس از مرگ پدر رهسپار اروپا شد که دنباله مطالعات خویش را بگیرد. هم در لندن وهم در پاریس به تحصیلات هنری خود ادامه داد و برای کشیدن تابلو یعنی نقاشی به بسیاری از ممالک آن قاره سفر کرد. ناگفته نماند که در این روزگاران ناچار بود در نهایت قناعت زندگی

تاریخ امر در اروپای شرقی بر فداکارها و جانفشانی های قهرمانانی تکیه دارد که زندگانی شان تا ابد هدایت بخش مهاجران و مبلغان در آن صفحات خواهد بود. از جمله افرادی که کشور بلغارستان باید در آینده بنام او ببالد ماریون الیزابت جک بود. وی در نقطه ای بنام سن ژان در برونسویک جدید (ایالتی در کانادا) متولد شد. (اول دسامبر ۱۸۶۶). ماریون بخانواده ای که ۶ فرزند داشت متعلق بود. پدر و مادر او زوجی خوشبخت بودند که در تربیت فرزندان خود نیز اهتمامی بسزا بکار می بردند. پدر ماریون، هنری خود مؤسس یک کلیسا در سن ژان بود مردی نیکو کار و خوش قلب. مادر ماریون، آنی جک هم از اعتقادات عمیق مسیحی بهره داشت. سه تن از فرزندان خانواده در همان خردسالی تلف شدند و اندوهی بزرگ در دل سایر اعضای خانواده باقی گذاشتند. در سال ۱۸۷۷، وقتی ماریون فقط ۱۱ سال داشت بلائی دیگر بر سر این خانواده وارد آمد و آن منهدم شدن خانه ایشان بر اثر حریق بزرگی در سن ژان بود و هنوز ماریون نوجوان بود که مادرش بر اثر کسالت ممتد فلج شد و در سال ۱۸۸۲ درگذشت. دو سال بعد پدر ماریون در

* این مقاله ملخصی از جزوه ای است که محفل ملی بهائیان کانادا در سال ۱۹۸۷ منتشر کرده است. تصویر ماریون جک مربوط بسال ۱۸۸۴ یعنی زمانی است که او فقط ۱۸ سال داشت است.

پیام بهائی شماره ۱۴۱

جنگ بسیاری از تابلوهای او در نمایشگاه های معتبر عرضه شد. در این مدت ماریون در مونترئال مستقر بود و توانست از دوستی صمیمی خانواده مکسوئل برخوردار شود. خود در نامه ای به هلن گودال نوشته است: «بقول می مکسوئل من از يك غریزه اجتماعی برخوردارم و می توانم اشخاص رادور خود جمع کنم و در آن وقت است که می مکسوئل می تواند امر الهی را ب مردم ابلاغ کند. من و او باهم متفقاً کاری عالی انجام می دهیم.

در سال ۱۹۱۹ در ماه جولای (ژوئیه) باتفاق اموزن هاك با کشتی عازم آلاسکا می شود و این سفر یکی از نخستین پاسخ های مثبت است که بالواح "فرامین ملکوتی" حضرت عبدالبهاء داده شده است. در طی مدت ۸ ماه این دو نفس نفیس به اسفار تبلیغی در آلاسکا پرداختند و هر چند کسی تصدیق امر مبارک را ننمود اما از بسیاری کسان بازتاب مثبتی دیدند.

در اوایل سال ۱۹۲۰ ماریون جك به وانکوور انتقال مسکن یافت و ظاهراً اولین بهائی ساکن آن شهر بود در وانکوور باتفاق خانم لورا لوتر که از سیاتل می آمد مقدمات سفر جناب فاضل مازندرانی بان سامان را تمهید نمود (ژانویه - فوریه ۱۹۲۱). در مدت اقامت جناب فاضل ۴ نفر تصدیق امر مبارک را کردند ماریون چند ماه با تازه تصدیقان در وانکوور باقی ماند تا به تزئید معلومات امری آنان کمک کند و در ۱۹۲۲ به برونسویک جدید مراجعت کرد و در آن جا نمایشگاهی از آثار نقاشی خود برپا نمود که مورد توجه و تحسین مطبوعات محلی قرار گرفت. در ۱۹۳۰ ماریون در فلوریدای آمریکا زندگی می کرد و يك مغازه سوغات فروشی را اداره می نمود. در ماه مارس ۱۹۳۱ در سن ۶۵ سالگی سفر دومی بارض

کند.

اندکی بعد از سال ۱۹۰۰ در حالی که در پاریس به تحصیل مشغول بود از چارلز میسن رمی برای نخستین بار ذکری از امر الهی شنید اما چنان که خود نوشته چندان مطلبی از این مکالمه دستگیرش نشد. بالاخره مدتی بعد یکی از احبای ایرانی توضیحاتی درباره امر مبارک باو داد که منجر به تصدیقش گردید. در سال ۱۹۰۸ بدعوت حضرت عبدالبهاء چند ماه را در عکا گذرانید و علاوه بر نقاشی، در آن جا به تدریس انگلیسی به نوه های آن حضرت پرداخت.

در همان سال ماریون توانست در تأسیس کلوب هنری سن ژان زادگاه خود مشارکت کند و در نمایشگاههای متعدد در کانادا تابلو های خود را بنمایش گذارد. در سال ۱۹۱۰ به گرین ایگر رفت و در آن جا خانه ای کوچک خرید و بدو کار مورد علاقه خود که نقاشی و تبلیغ بود بذل همت نمود. در سال ۱۹۱۱ ماریون جك و بهائی دیگری بنام الیزابت هرریک E.Herrick آپارتمانی در يك محله آبرومند لندن (کنزینگتون های استریت) اجاره کردند و در آن آپارتمان بود که حضرت عبدالبهاء در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۱ نطق مهمی در مورد تربیت روحانی در حضور حدود هشتاد نفر ایراد فرمودند.

حضرت عبدالبهاء به ماریون لقب "ژنرال جك" را مرحمت فرمودند (سرلشکر جك). با آن که ماریون از اختلال سلامت رنج می برد اما همیشه انسانی پر حرارت و شاد و راضی بنظر می رسید. از سال ۱۹۱۲ به بعد بعلت همین رنجوری ناگزیر شد که نقاشی در کارگاه را ترك کند.

بهنگام انفجار جنگ اول جهانی (۱۹۱۴) ماریون از اروپا رهسپار کانادا شد. طی سالهای

اقدس کرد و آن بر اساس دعوتی بود که حضرت شوقی ربانی از حیفا فرموده بودند. در هنگام تشریف به محضر مبارک باو امر فرمودند به عنوان مهاجر به صوفیه (سوفیا) پایتخت بلغارستان رود. ماریون فوری اطاعت کرد و از حیفا مستقیماً به سوفیا رفت در ابتدا تصور می کرد که این مهاجرت فقط برای چند ماه خواهد بود در حالی که تا آخر عمر یعنی بمدت ۲۳ سال در آن شهر باقی ماند.

در این روزگاران بلغارستان و همه مناطق بالکان دوران پراشویی از حیات خود را می گذراند. بلغارستان گرفتار مضایق اقتصادی شدید، بیکاری، گرانی، تنگدستی بود. از سال ۱۹۳۴ بپس حکومت شکل دیکتاتوری بخود گرفت و وضع سیاسی نیز تیره و تار شده بود. ناگفته نماند که در همین سالها چند تن از بهائیان به بلغارستان رفتند یا از آن کشور گذر کردند، لوئیزا گرگوری همسر لوئیس گرگوری معروف اولین بهائی بود که در بلغارستان مستقر گشت و در فاصله سال های ۱۹۲۸ و ۱۹۳۳ چند بار به وارنا رفت. مارتا روث فخر المبلغین، چند سفر به بلغارستان کرد و در سال ۱۹۳۱ جرج آدام بنک از احبای لایبزیك آلمان چند ماه را در سوفیا گذراند و در مدت اقامت خود بعنوان نائب رئیس افتخاری کنگره اسپراتیست ها برگزیده شد.

بعد از چند سفر در بلغارستان سرانجام جرج آدام بنک Benke در سوفیا صعود کرد و در همان شهر بخاک سپرده شد (نوامبر ۱۹۳۲) مسموع شده که حضرت شوقی ربانی از نامبرده بعنوان اول شهید قاره اروپا ذکر فرموده اند. لوئیزا گرگوری بعلت بیماری اندکی بعد بامریکا مراجعت نمود. در آن موقع در شهر وارنا جامعه بهائی با وجود قلت اعضاء فعال و مؤثر بود- در سال ۱۹۳۳ مارتا روث آخرین دیدار خود را از بلغارستان بعمل آورد.

ماریون با دو جامدان در این گپرو دار به سوفیا رسید و با وجود ضعف قلب و ناراحتی های جسمی دیگر فوری به ابلاغ کلمه حق پرداخت. موجودی او قلیل بود، زبان بلغار را نمی دانست، سنش بالا و سلامتش مختل بود مع کل ذلك در خدمت امر از هیچ مجاهدتی کوتاهی ننمود. مسکنش يك اطاق در هتل بود و در همان جا بود که جلسات تبلیغ و اجتماعات یاران تشکیل می شد. این اطاق بیک دکان سمساری بیشتر شباهت داشت، تابلوهای نقاشی او، کتب و اسناد او، وسائل پذیرائی او در سراسر اطاق پراکنده بود و به مدد زبان فرانسه که او از قبل می دانست و زبانهای اسپرانتو و آلمانی که تازه آموخته بود مبادله اندیشه و سخن انجام می شد. کتاب بهاءالله وعصر جدید دکتر اسلمونت با همکاری مارتا روث در ۱۹۳۲ بلسان بلغار نشر شده بود. کلمات مکنونه نیز در سال ۱۹۳۷ بهمین زبان انتشار یافت و بغیر از آن دو کتاب و یک دو "بروشور" کوچک دیگر آثاری در زبان بلغاری در دسترس نبود. هشت ماه پس از آنکه ماریون در سوفیا محل گرفت حضرت ولی امرالله در توقیعی (نوامبر ۱۹۳۱) خدمات درخشان او را که با چنان فروتنی و استقامت و فداکاری انجام می پذیرفت صمیمانه ستودند و فرمودند که خدمات آن امه موقنه تاریخ امر الهی را الی الابد زینت خواهد بخشید و باو دستور دادند که من بعد به تحکیم و تشیید خدمات قبلی خویش پردازد. باز در ژوئیه (جولای) ۱۹۳۲ از استقامت و پایداری و خدمات شریف و عالی او تجلیل فرموده به ادامه آن تشویقش نمودند.

در ماه مارس ۱۹۳۳ مقامات دولتی محدودیت های را برای فعالیت های تبلیغی بهائیان قائل شدند. هرچند ضیافات احباء

ادامه داشت اما دیگر امکان تشکیل جلسات بزرگ با حضور اغیار نبود.

در تابستان ۱۹۳۳ به پیشنهاد حضرت ولی امرالله ماریون باتفاق مارثا روت از بوداپست بازدید کرد. جلسات تبلیغی کماکان دراطاق هتل ایشان دائر بود. ماریون ازبوداپست به وین رفت و از آن جا درمدرسه بهائی اسلینگن مشارکت نمود. در ماه های پاییز همان سال باتفاق مارتاروث از ادرنه بازدید بعمل آوردند و موفق شدند که طی سه هفته هم با مقامات عالی مملکتی ملاقات و در باره امرالله مذاکره کنند وهم اماکن متبرکه را رد یابی نمایند و از این منازل عکس و رسم تهیه نمایند.

ماریون به بلغارستان برگشت و علی رغم محدودیت ها به تبلیغ امرالله ادامه داد. در ژوئن ۱۹۳۴ حضرت ولی امرالله باو مرقوم داشتند که ادامه خدمت در چنین شرایطی وجود ماریون را عزیز همگان ساخته و مساعی او را در زمره خدمات مهمه دوران استقرار نظم اداری بهائی قرار داده است.

در ماه جولای ۱۹۳۴ اولین محفل روحانی سوفیا انتخاب شد در حالی که تعداد اعضای آن جامعه از سی متجاوز بود. در این موقع است که حضرت ولی امرالله باو مرقوم داشتند که خدمات بزرگ و تاریخی شما هنوز پایان نیافته است و پیروزی های عظیم تری درانتظار شماست.

معذک حضرت ولی امرالله در اکتبر ۱۹۳۴ باو مرقوم فرمودند که بخود او اختیار می دهند که دوران اقامت خود را در بلغارستان تمدید کند و یا آنکه فصل نوینی از خدمات تاریخی خویش را در کشور اروپائی دیگری مفتوح سازد و اضافه کردند که "من از ثبات و دوام و شجاعت و شهامتی که شاخص خدمات شما بعنوان فرد مهاجر است کمال خرسندی و

رضا را دارم و بان می بالم". ماریون با آن که در انتخاب محل اقامت خود مخیر شده بود و با وجود تفسیقاتی که او را احاطه می کرد قرار را بر ترك آن دیار ترجیح داد. حضرت ولی امرالله (سنه ۱۹۳۶) باو نوشتند که پشتکار واستقامت شما درس و سرمشقی برای سراسر جامعه بهائی است.

در ۱۹۳۷ باشاره حضرت ولی امرالله سفری بآلمان کرد در آن زمان امر را حکومت نازی رسماً ممنوع کرده و موسسات بهائی را منحل اعلام نموده و اسناد بهائی کلاً در تصرف دولت در آمده بود معذک بازدید ماریون از دوستان بهائی بس مفید و مطبوع افتاد. ماریون بار دیگر به سنگر خدمتی خود بازگشت و به تربیت و تعلیم و مساعدت به تعمق نورسیدگان بامر الهی اهتمام نمود.

با نزدیک شدن جنگ دوم جهانی که دیگر احتراز ناپذیر شده بود حضرت ولی امرالله به ماریون توصیه فرمودند که باز گردد. خود ماریون کشور سوئیس را پیشنهاد کرد و حضرت ولی امرالله قبول فرمودند. بعد از تفکر بسیار ماریون باین نتیجه رسید که جای او همان بلغارستان است زیرا شخص دیگری را در میان احباء نمی دید که بتواند دنباله گیر کار او باشد و کلیسای حاکم یعنی ارتدکس یونانی و دولت مانع کار او نگردد. در آن زمان ماریون ۷۳ سال داشت و حدود ۱۵۰ نفر بهائی یا نفوس نزدیک بامراللهی در سوفیا بسر می بردند هفته ای سه بار احباء باهم اجتماع داشتند و ضیافات نوزده روزه واعیاد بطور مرتب دائر بود.

با رسیدن جنگ دوم، مکاتبه با بلغارستان دشوار شد درماه مارس ۱۹۴۱ سپاهیان آلمان نازی کشور را اشغال کردند و اولیای بلغارستان با آلمان نازی پیمان اتحاد بستند و به

انگلستان و امریکا اعلان جنگ دادند (دسامبر ۱۹۴۱). ماریون جک پاسپورت انگلیسی داشت لذا از آن لحظه در خطر عظیم قرار گرفته بود. در ده ژانویه ۱۹۴۴ بر اثر بمباران متفقین خانه محل سکونت ماریون و خانه دیگری که نسخ کتاب بهاء‌الله و عصر جدید بلسان بلغاری در آن انبار شده بود ویران شد. اندکی بعد هم اثاث شخصی او در جامه دانهایش به غارت رفت و خود او با کمال شکیبائی گفت: چه آسان از بسیار چیزها در این دنیا می‌توان گذشت! ماریون موقتاً به شهر دیگر نقل مکان کرد.

در تاریخ ۹ سپتامبر ۱۹۴۴ قشون شوروی وارد بلغارستان شد و مملکت در تصرف او درآمد و پیش از پایان سال ۱۹۴۷ یک رژیم کمونیستی بر کشور مسلط گردید. همین که امکان مراجعت به سوفیا پیدا شد ماریون بدان شهر بازگشت و به بازسازی جامعه بهائی و پیگیری خدمت تبلیغی کوشید اما بعلت فشار حکومت دیگر امکان برقراری اجتماعات موجود نبود عده ای از بهائیان کشته شده بودند یا مملکت را ترک گفته و در نتیجه عده احبا بسیار کاهش یافته بود. معذک ماریون با وجود ضعف جسم، غلبه سرما، بدی غذا، نارسائی مسکن شوق و امید خود را از دست نمی‌داد و از این که می‌تواند آساتر با طبقات خدمه و مستضعفین که حال منزلتی در جامعه پیدا کرده بودند تماس پیدا کند راضی بود.

در سال ۱۹۴۸ حضرت ولی امرالله از طریق منشی خود به محفل روحانی ملی امریکا مرقوم فرمودند که به میل آشکار ماریون که در کنار جامعه ای که خود ساخته و پرورده باقی ماند احترام گذارند. ماریون مختار است که در بلغارستان بماند ولی محفل امریکا باید نظارت کند که وی درآمد کافی برای آنکه آخرین ایام

حیات خویش را در آرامش گذراند و از محرومیت های بیشتری رنج نبرد در دسترس داشته باشد. "ماریون انسانی قهرمان و نمونه کامل مهاجر است" حضرت ولی امرالله در همین توفیق اظهار می فرمایند که ماریون جک را صمیمانه دوست دارند و خود را عمیقاً مدیون خدمات او می دانند.

در این زمان متأسفانه پول یا البسه ای که برای ماریون فرستاده می شد یا اصلاً بدست او نمی رسید یا دیرتر از موقع واصل می شد. در سال ۱۹۵۱ دیگر ماریون تحرك سابق خود را از دست داده بود و درد عضلات مانع از آن بود که مانند گذشته راههای دراز را پیاده طی کند معذک با زحمت به پستگاه نزدیک مسکن خود می رفت و ساعتی در آن جا بگردش می پرداخت.

وقتی به سن ۸۷ سالگی رسید دیگر اسیر بستر شد از درد خود نمی نالید تنها غصه اش این بود که باید بدیگران زحمت بدهد. وقتی دیگران بدیدارش می رفتند بجای آن که سخنی بگویند تبسم می کرد و دستهای آنان را در دست خود می گرفت.

در ۲۷ مارس ۱۹۵۴ صعود ماریون جک واقع شد و جسد او را در قبرستان نظامی بریطانیائی در سوفیا بخاک سپردند و دو روز بعد حضرت ولی امرالله او را به عنوان قهرمانی جاویدان که عمیقاً مورد تحسین حضرت عبدالبهاء بوده و سرمشق درخشان فرد مهاجر برای نسل حاضر و نسل های بعد چه در شرق و چه در غرب محسوب شده به جامعه بهائی جهان اعلام فرمودند. بشهادت حضرت ولی امرالله هیچ کس جز مارتا روث بی نظیر از جهت ثبات و استقامت و فداکاری و جانفشانی و وارستگی و پایداری با ماریون جک همانند و برابر نبوده است.

پایان

فلسفه احکام بیان

دکتر محمد افنان

۳

که کل را از برای نجات می‌کردی و بعد از آنکه حکم الهی بر غیر آن شد چه ثمر و راجع شوی و کلمه نجاتی اخذ کنی اگر چه با اشاره باشد" (۲/۸)

در تائید وجود مراتب و درجات در بین خلق و تبیین علت آن می‌فرماید "اگر در یوم ظهور من یظهره الله... مثلاً اگر یک ذرّ از طین بردارد و بفرماید که این طین وجود بدیع فطرت اولی است یا بهر اسمی که ذکر کند... و اجابت نکنی او را در ذرّ طین که رتبه جماد و آخر وجود است اجابة الله ننموده اگر چه در رتبه کی‌نونیت در حین الست بر یکم بلی گفته‌ای... مقصود اطاعت امر اوست نه آن و این که اگر آن وقت محتجب شوی از ذرّ طین با امر او محتجب مانده‌ای از سر وجود... این است که تراقب کل او امر الهیه از شئون تقوی بوده و هست ولی بشرطی که از مبدا امر محتجب نگردی در هر ظهوری والأشبهه نیست که در آن ظهوری که هستی با او امر آن عمل می‌کنی... ثمره آن اینکه لعل در یوم قیامت هیچ نفسی از او امر من یظهره الله محتجب نماند که اگر بر کل وجود امر کند امر او امر الله بوده و هست و هر که لم ویم گوید در امر خدا گفته... (۴/۹)

در ذیل حکم ارث و بیان اصول و قواعد آن می‌فرماید "ثمره آن اینکه در یوم قیامت که کل اعمال مقدر می‌گردد من عند الله اگر شجره حقیقت حکم فرماید بدون این کسی لم ویم نکوید" سپس آنرا با حکم حج مقایسه و چنین می‌فرماید "کل باید در درجه یقین و بصیرت کبری باشند که اگر صد هزار نفس از برای طواف بیت جمع شده باشند و از بلاد خود بیرون آمده از برای یومی که در آن یوم اذن طواف داده شده و همان روز شجره حقیقت ظاهر شود و بفرماید لا تطوفوا اگر کل فی الحین عمل کنند درک طواف نموده والا باطل می‌گردد کل اعمال آنها" (۲/۸) *

چنانکه مشهور است در اسلام طلب غفران و استغفار و مداومت در ذکر استغفر الله سنتی معمول است. درباره آن چنین می‌فرماید "لابد یوم قیامت خواهد شد و شجره حقیقت ظاهر... بعمر عالم اگر عمر کنی و استغفار کنی ثمر نمی‌بخشد الا آنکه راجع شوی و یک کلمه از مبدا اخذ کنی اگر چه بیک کلمه قدانجیناک باشد که این تو را نجات می‌دهد ولی این همه استغفار تو را نجات نمی‌دهد و واجب است بر تو بعد از استماع از کل اعمال منقطع گردی زیرا

* اعداد اولی اشاره به واحد و دومی اشاره به باب از کتاب مستطاب بیان است.

از او امر بیان است که هر کس دفتر اعمالی برای خود ترتیب دهد و از خوب و بد آنچه از او سرزده در آن یادداشت کند "ثمره امر این باب آنکه لعل در آن روز (یوم ظهور حق) چشم او باز باشد که بیند محبوب خود را و در آنروز تواند نوشت آنچه که کسب کند... کل هم بر جوهر وجود آنچه کسب کنند نویسند لعل ذکر ایشان یوم قیامت بین یدی الله مذکور شود... در قسمتی از همین باب میفرماید "آنچه که نقطه بیان باید نویسد آن است که آنچه قبل آن بود رافع شد بسوی آن و خداوند او را نازل فرمود بمن این است آنچه او کسب نموده در قیامت" از فحوای این باب میتوان دریافت که مقصد از آن تذکر دائمی بوظیفه افراد در یوم ظهور است زیرا یومی است که کسی از آن قبل از زمان معهود در علم الهی آگاه نتواند بود. (۹/۸) در ذیل حکم نازله در باره آداب تکفین در گذشتگان است "مراقب باش ظهور من یظهره الله که اگر شنوی ظهور او را و بقدر اینکه بگوئی بلی تأمل نمائی در نار هستی چه قبض روح شوی چه در حیات باشی" (۱۱/۸) نکته مهم اینست که موردی از کتاب بیان نمیتوان یافت که احکام و فرائض از اشاره ای بمن یظهره الله خالی باشد. در بیان قرائت هفتصد آیه از آیات آن سفر جلیل در شبانه روز واجب شده ولی اگر کسی نتواند باید بجای آن هفتصد بار "الله اظهر" بگوید "ثمره آن اینکه اگر یوم قیامت باشد مؤمن شود بمن یظهره الله... ولی چون آن روزی است عظیم بسیار صعب است که توانی با مومنین بود زیرا که مؤمن

آن روز اصحاب جنت است و دون مؤمن اصحاب نار و جنت را معرفت من یظهره الله یقین کن و طاعت و نار را وجود من لم یسجدله" (۱۳/۸)

بر هر خوشنویسی واجب شده که هزار آیه از آیات الهی بنویسد و بمظهر ظهور در یوم قیامت تقدیم دارد و در تبیین مقصد از این حکم چنین نازل "ثمره آن اینکه اگر در یوم ظهور چنین نفسی باشد و امثال آن قلم نگردانند الا باثار من یظهره الله که حرام شده بر ایشان قلم گردانیدن بر هر کلمه الا کلمات او" (۲/۹) و در باره اهل علم چنین می فرماید "مثل آن ایام مثل شمس است بالنسبه بستارگان... از این جهت است که در آن ظهور عارفین بآن قلم را جریان ندهند و حیا کنند از تصانیف و تألیف و انشائات خود... ولی بعد از غروب آن اذن داده شده که کل در ظل او آنچه توانند عروج نمود... نیکو درجه ایست درجه علم اگر علم بمن یظهره الله و رضای او باشد و الا بدترین درجات است عندالله و عند کل شیئی که اگر يك کلمه نمی دانست بهتر بود از برای او تا آنکه علم بکل شیئی داشته باشد و علم بمن یظهره الله نداشته باشد..." (۳/۹)

در ذیل حکم حرمت اعتیادات و مخدرات میفرماید "بدانکه هر شیئی خیری که در علم الله بوده و هست در ظل شجره اثبات است که من یظهره الله باشد و دون آن در ظل نفسی... لعل محتجب نمائی از طلعت او و ساجد شوی از برای خدا از برای او" (۷/۹)

بپاکیزگی و صفای درون و فؤاد تأکید فراوان شده است. مطالعه باب مربوط باین

یوم قیامت لعل کل مؤمنین بیان بهدایت
حروف واحد مهتدی گردند... (۱/۶)
در کتاب مستطاب بیان مظهر الهی
بشمس مثل زده شده و اهل ایمان بکواکب و
اقمار اینست که میفرماید "در ظهور من
یظهره الله اگر کل اهل بیان در حین ظهور او
بقول او عامل و وجود خود را و اعمال خود
را مثل کواکب نزد شمس ببینند ثمره وجود
خود را اخذ نموده و الا حکم کوکیبت هم بر
آنها نخواهد شد الا بر مؤمنین بآن که در
نهار محو صرفند و در لیل بانور این است
ثمر این حکم" (۱/۸) "و همچنین در ظهور
من یظهره الله که اگر ذکر باطلی هم بماند
لاجل ذکر حق است آنرا نه اون بنفسه لایق
ذکر است مثل اسمی که در قرآن نازل
است* قدری تعقل نموده و از جوهر دلیل
نظر برداشته لعل در آن روز نجات یابی و الا
حاملین هر ظهوری حمل اعمال خود را
میکنند لایشعر بگمان آنکه از برای خدا می
کنند" (۱۷/۸) در جایی دیگر از کتاب بیان
در تأیید همین مطلب بشواهد تاریخ اشاره
میفرماید "یوم ظهور من یظهره الله الی
مالانهایه تلاوت بیان میشود ولی از منزل آن
محتجب ولیکن تصور نمی کنند که در حین
نزول بیان مثل حین ظهور اوست چنانچه
حین نزول قرآن را شنیده ولی اخذ ثمر نمی
کنند چون امروز می بینند عزیز است کل
باسم عزت او مفتخرند ولی همین قرآن بود
که بیست و سه سال نازل شد و ظاهر است
که در آن روز نسخه لایقی تمام نشد..."
(۸/۵) و بالاخره از آنجائی که من یظهره

حکم این حقیقت را خاطر نشان میسازد که
حضرت نقطه اولی در خلال اوامر و احکام
همواره توجه دقیقی بعمامل روحانی در
تربیت احوال انسانی مبذول فرموده و
پرورش و تصفیه روح را وسیله تکامل
اجتماعی بشر معرفی نموده است "از برای
هر شئی تطهیری است در علم خدا... مثلاً
اگر دستمال دست تو قدر ذره ای سیاه
شود تطهیر آن نمیشود الا با آنچه در حد آن
مقدر شده و همچنین از ذروه وجود الی
منتهای ذکر هر شئی نظر کن... مثلاً سمع
خود را طاهر کن از اینکه ذکر دون الله
شنوی و عین خود را که نبینی و فؤاد خود را
که شاهد نشوی و لسان خود را که ناطق
نگردی و ید خود را که ننویسی و علم خود
را که احاطه ندهی و قلب خود را که بر او
خطور ندهی و همچنین کل شئون خود را...
لعل درك کنی من یظهره الله را با طهارت
محبوب نزد آن که طاهر باشی از دون من لم
یؤمن به و من لم یکن له" (۱۰/۹)

حضرت باب اعظم در هنگام بیان این
اصل اجتماعی که شرط درستی معاملات و
خرید و فروش رضایت طرفین است
میفرماید "لعل در یوم ظهور حق در بیع
آیت شمس حقیقت و سرای مادون او باو
برضای او و نفوس خود ایشان واقع گردد"
(۱۸/۵)

در خصوص نظم و ترتیب آیات بیان بر
حسب کیفیت و شئون آثار بتفصیل در
کتاب بیان مطالبی مذکور است در ذیل یکی
از موارد میفرماید "ثمره این نظم آنکه در

* اشاره به آیه ۱۱ - سورة المسد (۱۱۱) "تبت یدا ابی لهب و تب"

متفرع میگردد بر کتاب الله و او بنفسه حجت است... هزاران هزار عالم منطق و نحو و صرف و فقه و اصول و امثال آن هستند که اگر مؤمن بکتاب الله نباشند حکم دین ایمان بر آنها میشود پس ثمر در نفس حجت است نه در شئون مایتفرع و بدانکه در بیان هیچ حرفی نازل نشده مگر آنکه قصد شده که اطاعت کنند من یظهره الله را...

اینکه که بی پایان این مطالعه مختصر و نارسا از کتاب مستطاب بیان رسیده بهتر میتوان دریافت که چگونه حضرت نقطه اولی بین فلسفه احکام و اساس روحانی و معنوی دیانت خویش رابطه ای اصولی و محکم برقرار فرموده و همه را بهدنی واحد رهنمون شده است که آن شناسائی و عرفان موعود دور بیان است.

الله بظاهر چون دیگران است چه بسا که مردم بچشم حقیقت او را نتوانند شناخت و او را یکی چون خود از اقران و همانندان شمارند لذا حضرت نقطه اولی میفرماید "نه این است که نظر باقران کنی زیرا که اگر کل ماسوی الله آنچه که از قبل خلق شده و آنچه بعد امکان دارد- باین نوع ثمره وجود خود را اخذ نمائی. هر آینه معادل نمی شود با تسع تسع عشر عشر آنی از او زیرا که شئیت کل از اوست چگونه توان قرین ذکر نمود ذکر او را بذكر دون او" (۷/۷) و بالاخره جوهر مطلب اینست که در باب هشتم از واحد پنجم میفرماید "یوم ظهور من یظهره الله را تصور کن... مبدء دلیل برید او است و محتجب... مشو که او اجل آن است زیرا که کل شئون دلیل

صعود جناب عبدالعلی علائی

هیئت تحریریه پیام بهائی اخیراً از صعود جناب عبدالعلی علائی یکی از خادمان ارجمند امر الهی در ایران که از چند سال قبل در استرالیا اقامت داشتند و در تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۹۱ در شهر ردکلیف بملکوت ابهی صعود کردند اطلاع حاصل کرده قرین تأسف و تأثر گردید. بیت العدل اعظم الهی در تلگرامی بتاريخ ۲۷ مارچ ۹۱ فرموده اند که "از رحلت خادم فداکار امرالله جناب عبدالعلی علائی متألّم و اندوهگین هستیم. خدمات متنوعه نامبرده در مهد امرالله و در صحنه مهاجرت همواره با محبت بخاطر می آید. بستگان و خویشان را بادعیه این هیئت برای ترقی روح ایشان اطمینان دهید."

جناب علائی مؤلف کتاب متممی در مورد ایادی امرالله بزبان فارسی بودند. از جمله فرزندان ایشان جناب دکتر سیروس علائی سالها عضویت محفل مقدس روحانی ملی ایران را داشته اند و صبایای ایشان پوران خانم و آذر خانم نیز در میادین خدمت بفعالیّت قائم هستند. همسر عزیزشان همواره در خدمات مهمه جناب عبدالعلی علائی مشارکت داشته و برآستی سرمشقی برای جامعه نسوان هستند بهمه آن عزیزان صمیمی ترین ادعیه قلبی خود را تقدیم می کنیم.

اخبار و بشارت از شرق اروپا

ترجمه فواد روستائی

رومانی دارای دو نماینده در این کانونشن بودند.

از دیگر دستاوردهای چشمگیر روح افزای این انجمن شور روحانی ملی اقبال چهل و چهار تن به امر نازنین جمال اقدس ابهی در خلال برگزاری آن بود. برنامه ای بمدت چهل دقیقه پیرامون نخستین انجمن شور روحانی ملی بهائیان رومانی از تلویزیون سراسری این کشور پخش شد. گفت و شنودی با حضرت روحیه خانم ایادی محبوب امرالله جزء این برنامه بود. از سوی دیگر گفت و شنود مطبوعاتی پرشوری با شرکت بیست و چهار تن از روزنامه نگاران و نمایندگان دیگر رسانه های عمومی برگزار شد و احباء بر این گفت و شنود مطبوعاتی به پرسش های گوناگون پیرامون امر نازنین جمال اقدس ابهی پاسخ دادند.

حضرت امة البهاء روحیه خانم در معیت جناب سهراب یوسفیان و سرکار خانم ویولت نخجوانی با وزیر امور مذهبی رومانی و یکی از مدیران این وزارت خانه که مسئول امور بهائیان رومانی است دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار وزیر امور مذهبی و مدیر کل مذکور واکنشی دوستانه و مثبت نسبت به فعالیت های بهائیان از خود نشان دادند. افزون بر این ایادی عزیز امرالله با شهردار بخارست پایتخت رومانی نیز ملاقات کرده و ایشانرا از

حضور ایادی امرالله امة البهاء روحیه خانم در نخستین شور روحانی ملی رومانی

امة البها حضرت روحیه خانم ایادی عزیز امرالله بنمایندگی از ساحت رفیع بیت العدل اعظم الهی در نخستین انجمن شور روحانی (کانونشن) ملی بهائیان رومانی شرکت کردند. آنچه در زیر میخوانید چکیده ای از گزارش های رسیده به ارض اقدس پیرامون چگونگی برگزاری این رویداد تاریخی است.

نخستین انجمن شور روحانی ملی بهائیان رومانی با شرکت بیش از سیصد نفر از جمله جناب فریدون خضرائی (فاتح روحانی رومانی) و همسرشان آرکلا Arecla، جناب سهراب یوسفیان مشاور قاره ای، فرتیز کلویر Fritz Kluber نماینده محفل روحانی ملی بهائیان آلمان و گروهی از احبای میهمان از بیش از ده کشور از آمریکای شمالی و جنوبی، آفریقا و اروپا برگزار شد.

جلسات شور و مشورت با شرکت اعضای نخستین محفل روحانی ملی رومانی در فضائی سرشار از محبت ووداد بگونه ای بی نظیر برگزار شد. گروه های اقلیت مانند ترکها، مجارها Magyar و کولیان رومانی در برگزاری این انجمن شور روحانی ملی نقشی فعال ایفا کردند. لازم به توضیح است که کولیهای

رئوس اصلی امر الهی مطلع ساختند.

حضرت روحیه خانم در جریان دیدار خود با احبای رومانی متذکر شدند با توجه به خدمات ذیقیمت و گرانقدر علیاحضرت ماری ملکه رومانی به امر مبارک و مکاتبات ارزشمندی که بین ایشان و حضرت شوقی ریانی ولی محبوب و عزیز امرالله بوجود آمد علاقه ای خاص و محبتی عمیق برای رومانی و مردم آن در قلب خویش دارند. ایادی عزیز امرالله تأکید کردند که رویداد های اخیر مبین اهمیت بیش از اندازه رومانی در گسترش امر نازنین حضرت بهاءالله در سراسر اروپاست و افزایش روزانه احبای این کشور نمونه ای درخشان از این امر است. امة البهائه روحیه خانم اظهار امیدواری فرمودند که همگی در آینده بسیار نزدیک شاهد اقبال دسته جمعی نفوس به دیانت بهائی در رومانی باشند. حضور ایادی عزیز امرالله حضرت روحیه خانم در نخستین شور روحانی ملی بهائیان رومانی مایه سرور خاطر تمامی شرکت کنندگان در این اجلاس روحانی بوده و به برگزاری هر چه بهتر آن از نظر کمی و کیفی کمک شایان و غیر قابل توصیفی کرده است. جامعه بهائیان رومانی که سال گذشته بیش از پنجاه عضو نداشت در حال حاضر بیش از یک هزار تن را در بر میگیرد که همگان سرشار از شور و شوق و ایمان برای ابلاغ پیام حضرت بهاءالله جل اسمه الاعلی به تشنگان حقیقت و استقرار نظم جهانشمول بهائی در کشور خویش هستند. در پی برگزاری انجمن شور روحانی ملی، حضرت روحیه خانم، جناب سهراب یوسفیان و اعضای محفل روحانی ملی بهائیان رومانی از آرامگاه متصاعد الی الله علیاحضرت ماری

پیام بهائی شماره ۱۴۱

ملکه رومانی دیدن کردند.

برگزاری نخستین انجمن شور روحانی
ملی بهائیان شوروی با
حضور جناب فروتن

محفل روحانی بهائیان آلمان در تلگرافی پیرامون برگزاری نخستین انجمن شور روحانی ملی بهائیان اتحاد شوروی مینویسد این انجمن با حضور ایادی عزیز امرالله جناب علی اکبر فروتن از بیست و ششم تا بیست و نهم ماه آوریل در مسکو برگزار شده و حضور این ایادی عزیز امرالله غنا و روحانیتی خاص به آن بخشیده بود. در نخستین کانونشن ملی بهائیان شوروی که در يك طالار کنسرت در مسکو برگزار شد بیست و شصت و پنج بهائی از جمله احبای شوروی، مهاجرانی از سی و چهار شهر و بالاخره پنجاه میهمان بهائی از هفده کشور شرکت داشتند. در گزارش محفل روحانی ملی بهائیان اضافه شده است جناب فروتن در مقام نماینده ساحت رفیع بیت العدل اعظم اعلی شصت سال پس از تبعید خویش از مسکو شاهد انتخابات تاریخی نخستین محفل روحانی ملی بهائیان اتحاد شوروی بودند.

جناب فروتن طی سه سخنرانی به زبان روسی شرکت کنندگان در انجمن شور روحانی ملی شوروی را در جریان خاطرات و تجربیات اولیه خویش در مسکو و اهمیت روحانی انتخابات محفل روحانی ملی برای پر وسعت ترین کشور جهان قرار دادند. جناب فروتن متذکر شدند این انتخابات و این انجمن شور روحانی ملی بازتاب امیدها و آمال حضرت ولی امرالله درمورد پیشرفت امر مبارک در شوروی است. جناب فروتن، علاوه بر این، پیام ساحت رفیع بیت العدل اعظم خطاب به احبای شوروی

اخبار و بشارت از شرق اروپا

ترجمه فواد روستائی

رومانی دارای دو نماینده در این کانونشن بودند.

از دیگر دستاوردهای چشمگیر روح افزای این انجمن شور روحانی ملی اقبال چهل و چهار تن به امر نازنین جمال اقدس ابهی در خلال برگزاری آن بود. برنامه ای بمدت چهل دقیقه پیرامون نخستین انجمن شور روحانی ملی بهائیان رومانی از تلویزیون سراسری این کشور پخش شد. گفت و شنودی با حضرت روحیه خانم ایادی محبوب امرالله جزء این برنامه بود. از سوی دیگر گفت و شنود مطبوعاتی پرشوری با شرکت بیست و چهار تن از روزنامه نگاران و نمایندگان دیگر رسانه های عمومی برگزار شد و احباء بر این گفت و شنود مطبوعاتی به پرسش های گوناگون پیرامون امر نازنین جمال اقدس ابهی پاسخ دادند.

حضرت امة البهاء روحیه خانم در معیت جناب سهراب یوسفیان و سرکار خانم ویولت نخجوانی با وزیر امور مذهبی رومانی و یکی از مدیران این وزارت خانه که مسئول امور بهائیان رومانی است دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار وزیر امور مذهبی و مدیر کل مذکور واکنشی دوستانه و مثبت نسبت به فعالیت های بهائیان از خود نشان دادند. افزون بر این ایادی عزیز امرالله با شهردار بخارست پایتخت رومانی نیز ملاقات کرده و ایشانرا از

حضور ایادی امرالله امة البهاء روحیه خانم در نخستین شور روحانی ملی رومانی

امة البها حضرت روحیه خانم ایادی عزیز امرالله بنمایندگی از ساحت رفیع بیت العدل اعظم الهی در نخستین انجمن شور روحانی (کانونشن) ملی بهائیان رومانی شرکت کردند. آنچه در زیر میخوانید چکیده ای از گزارشهای رسیده به ارض اقدس پیرامون چگونگی برگزاری این رویداد تاریخی است.

نخستین انجمن شور روحانی ملی بهائیان رومانی با شرکت بیش از سیصد نفر از جمله جناب فریدون خضرائی (فاتح روحانی رومانی) و همسرشان آرکلا Arecla، جناب سهراب یوسفیان مشاور قاره ای، فرتیز کلویر Fritz Kluber نماینده محفل روحانی ملی بهائیان آلمان و گروهی از احبای میهمان از بیش از ده کشور از آمریکای شمالی و جنوبی، آفریقا و اروپا برگزار شد.

جلسات شور و مشورت با شرکت اعضای نخستین محفل روحانی ملی رومانی در فضائی سرشار از محبت ووداد بگونه ای بی نظیر برگزار شد. گروه های اقلیت مانند ترکها، مجارها Magyar و کولیان رومانی در برگزاری این انجمن شور روحانی ملی نقشی فعال ایفا کردند. لازم به توضیح است که کولیهای

را بمناسبت رضوان سال جاری برای حاضران قرائت کردند.

جناب فروتن ایادی عزیز امرالله در سخنرانی پایانی خویش در نخستین انجمن شور روحانی ملی بهائیان شوروی از آن به عنوان بهترین کانونشی که در سراسر حیات خویش شاهد آن بوده اند یاد کردند. از دیگر شرکت کنندگان در این رویداد مهم و روحانی میتوان از سه تن از مشاورین قاره ای اروپا و آسیا یعنی سرکار خانم پولین رافت، جناب پل سمنوف Semenoff و جناب عباس کتیرائی نام برد. مشاوران قاره ای بر رایزنی ها و تبادل نظرهای نخستین انجمن شور روحانی ملی بهائیان شوروی نقشی فعال و بسیار سازنده داشتند.

ایادی امرالله جناب ویلیام سیرز، اعضای هیات های مشاورین قاره ای و محافل روحانی ملی بیش از بیست و هفت کشور جهان پیام های تبریکی برای این کانونشن فرستاده بودند.

نماینده ای از شورای امور مذهبی دولت اتحاد شوروی در نخستین روز و در مراسم پایانی نخستین کانونشن ملی بهائیان این کشور حضور داشت. از دیگر کسانی که حضورشان جلوه و رونقی خاص به این گردهمایی سه روزه بخشیده بود میتوان از نخستین بهائی مغولستان نام برد. پس از اهداء هدایائی بوسیله نمایندگان محافل روحانی ملی کشورهای مختلف احبای شوروی حاضر در کانونشن نیز هدایای مختلفی از قبیل کتاب و تبرعات مالی به محفل روحانی ملی خویش تقدیم کردند. بیش از یکساعت و نیم احبای سراسر شوروی به روی صحنه رفتند و شادی

و سرود خود را از این موفقیت عظیم بیان کردند. در يك کنفرانس مطبوعاتی که در "خانه روزنامه نگاران" مسکو برگزار شد سه تن از اعضای محفل روحانی ملی بهائیان شوروی بهمراهی جناب فیروز کاظم زاده، جناب ایرج ایمن، جناب مظفر نامدار و بالاخره جناب کریستوفر اشپرونک Sprong به پرسش های متعدد روزنامه نگاران و خبرنگاران پاسخ دادند. یکی از این خبرنگاران اظهار تمایل کرد بخشی از يك برنامه رادیویی خویش را که ماهی یکبار از رادیوی سراسری شوروی پخش میشود در اختیار احبای این کشور قرار دهد.

پس از انتخاب اعضای نخستین محفل روحانی ملی بهائیان شوروی، جناب فروتن طی جلسه ای که سه ساعت طول کشید نخستین توفیق ساحت رفیع بیت العدل اعظم الهی را که بافتخار این محفل صادر شده بود برای اعضای محفل قرائت کردند.

برگزاری نخستین انجمن شور روحانی ملی بهائیان چکسلواکی در حضور

جناب ورقا

گزارش رسیده به ساحت رفیع بیت العدل اعظم الهی حکایت از آن دارد که نخستین انجمن شور روحانی ملی بهائیان چکسلواکی با شرکت یکصد و ده نفر از احبای سراسر این کشور و میهمانانی از سیزده کشور در میان شرف و شادی قلبی زاید الوصفی برگزار شده است. در این گزارش ضمن سپاسگزاری و امتنان از رهنمودهای گسست ناپذیر ساحت بیت العدل اعظم اضافه شده است حضور جناب علیمحمد ورقا ایادی عزیز امرالله موهبتی و برکتی وصف نشدنی در برگزاری این اجتماع بوده است. افزون بر این، سرکار خانم الیزابت

پیام بهائی شماره ۱۴۱

کشور آغاز شده است.

تشکیل پنج محفل روحانی محلی جدید در جزایر ساخالین در اتحاد شوروی

بر اساس گزارش جناب عباس کتیرائی فاتح روحانی جزایر ساخالین در حال حاضر تعداد محافل روحانی محلی این جزایر با تشکیل پنج محفل جدید به شش محفل روحانی رسیده است. بعضی از محافل جدید که در رضوان سال جدید تشکیل شده اند در نقاط دور و صعب الوصول شمال این جزایر پای به عرصه وجود گذارده اند. جناب کتیرائی اضافه میکند در نقطه ای بنام کولیندو Kolindoo بیش از هفتاد تن از جمله شهردار و معاون وی به جمع بهائیان پیوسته اند در نقطه دیگری بنام نکراسوگا Nekrasovka پنج تن از اعضای محفل روحانی محلی از اعضای قبیله نیوکی Nivki هستند و رئیس قبیله به سمت رئیس محفل روحانی انتخاب شده است.

محفل روحانی محلی اوخا Okha بزرگترین شهر شمال جزایر ساخالین گروهی از تحصیل کرده های این شهر را در بر میگیرد. در محفل روحانی دیگری که در خولسک Kholmsk در جنوب این منطقه تشکیل شده است شماری از شخصیت های برجسته شهر حضور دارند که در آن میان میتوان از مدیر دسته گر محل، یک نماینده مردم Peoples Deputy و یک بانوی پزشک نام برد. در دولنسک Dolnisk پس از برگزاری جلسات متعددی در روزهای شنبه هر هفته سرانجام در بیستم آوریل شانزده تن به امر مبارک ایمان آوردند و پس از آن نخستین اعضای محفل روحانی محلی خود را برگزیدند.

مواشلکل عضو هیات مشاورین قاره ای اروپا و جناب کامبیز پوستچی عضو محفل روحانی ملی بهائیان اتریش نیز در کانونشن ملی بهائیان چکوسلواکی حضور داشتند و احبای چکوسلواکی را از راهنمایی ها و تجربیات خود بهره مند ساختند.

نخستین انجمن شور روحانی ملی بهائیان چکوسلواکی بوسیله معاون وزیر آموزش و پرورش، جوانان و امور اجتماعی که طی سخنانی به نمایندگی از سوی دولت به شرکت کنندگان و نمایندگان حاضر در انجمن خوشامد گفت رسماً آغاز به کار کرد.

پیامهای تبریک و هدایای متعددی از هیات های مشاورین قاره ای و محافل روحانی ملی سراسر جهان به این اجتماع ارسال شده و به نخستین کانونشن ملی چکوسلواکی بعدی بین المللی داده بود و احبای چکوسلواکی را از اهمیت و جوششان در میان جامعه جهانی بهائی آگاه تر میساخت.

مشورت ها و تبادل نظرها و بالاخره انتخابات اعضای نخستین محفل روحانی ملی بهائیان چکوسلواکی در فضائی سرشار از محبت و توأم با دعا و مناجات برگزار شد و شش تن از بانوان و سه تن از رجال جامعه بهائی چکوسلواکی به عضویت نخستین محفل روحانی ملی این کشور برگزیده شدند. از رویدادهای جنبی این انجمن شور روحانی میتوان از یک مصاحبه تلویزیونی با دو تن از مشاورین قاره ای نام برد. احبای چکوسلواکی در گزارش خود به ساحت رفیع بیت العدل اعظم متذکر شده اند که با برگزاری نخستین انجمن شور روحانی ملی در حقیقت فصل باشکوه تازه ای در تاریخ جامعه بهائی این

روزنه ای بسوی اروپای شرقی

